

جهان در سالی که گذشت

صفحه ۷

قرارداد ایران و چین

صفحه آخر

لنین - اول ماه می

صفحه ۹

جامعه مریض

صفحه آخر

بیانیه مشترک ۱۵ تشکل کارگری

صفحه آخر

نه به جمهوری اسلامی

نه به جمهوری اسلامی آری به جمهوری سوسیالیستی "شهر تهران خفقان گرفته بود، هیچکس نفسش در نمی آمد، همه از هم میترسیدند،..... از سایه شان باک داشتند..... همه جا ماموران آگاهی را دنبال خودشان می نگریستند،..... سکوت مرگ آسایی در سراسر کشور حکمفرما بود....."

(بزرگ علوی- چشمهایش)

بیش از صد سال است طبقه کارگر ایران در جدالی تاریخی برای استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی - برای نان، کار، آزادی، اداره شورایی و امروز برای بدیل کارگری و سوسیالیستی مبارزه می کند. این مبارزه علیه بازماندگان نظام پیش از سرمایه داری و سرمایه داری، مبارزه ۲ صفحه

زنده باد روز جهانی کارگر

به پیش برای برگزاری هر چه باشکوهتر امسال مصادف با صدمین سالگرد برگزاری همبستگی کارگران سراسر ایران اولین ماه می در سال ۱۳۰۰ در ایران است.



صفحه ۲

شکست دیگری برای امپریالیسم آمریکا

درس دیگری برای طرفداران آمریکا که در این سال ها از ارتش آمریکا دعوت می کردند به ایران حمله کند و نظام ولایت فقیه را برایشان سرنگون کند. آمریکا پس از دو دهه اشغال افغانستان، مجبور است کل نیرویی را که بنام دولت افغانستان تا بحال ساخته و پرداخته رها کند و در در پیروزی کامل تقاضا کند بجای اول ماه می روزی که رئیس جمهور پیشین با طالبان به توافق رسیده است چند ماهی عقب اندازد.

تصمیم آمریکا و پس از آن سی کشور دیگری که بنام نیروهای مشترک تجاوز به افغانستان را سازمان دادند از جمله آلمان یکی پس از دیگری اعلام می کنند افغانستان را ترک خواهند کرد جز ترکیه که اردوغان تصمیم ۶ صفحه

انتخابات ریاست جمهوری ایران

و دارو دسته های بسیار نزدیک به وی طراحی و برنامه ریزی می شود. بدین لحاظ دولت در واقع اجرا کننده سیاست های خامنه ای رهبر رژیم اسلامی است. ولی همچون همه رژیم های توتالیتر و مطلقه همیشه در بین عناصر قدرت تضادهایی بر سر سهم استفاده از آن بوجود می آید. در طول عمر رژیم جمهوری اسلامی، رئیس جمهوری همیشه با رهبری از خمینی تا خامنه ای دارای تضادهایی بوده است که ارتباطی هم به مسئله آزادیهای اجتماعی و دموکراسی و عدالت اجتماعی نداشته و بر سر سهم در قدرت سیاسی بوده است. به همین دلیل جناح های مختلف رژیم اسلامی با آگاهی و درک از این موضوع هیچ برنامه سیاسی و عملی را مطرح نمی کنند. زمانی ۵ صفحه

انتخابات سیزدهمین دوره ریاست جمهوری در ایران در ۲۸ خرداد امسال با موافقت شورای نگهبان برگزار می شود. در طی این مدت اولاً تنها نیروهای خودی و در دایره مافیای قدرت، اطراف اصلاح طلبان حکومتی و اصول گرایان حق شرکت در این انتخابات را دارند. برای تضمین بیشتر کاندیدهاها فیلترهای مختلف و پیچیده سیاسی - امنیتی در سر راه کاندیدهاها برای رسیدن به مراحل نهایی وجود دارد. با تمام این احوال بحث انتخابات در ریاست جمهوری اساساً بحث نمایندگان مردم و انتخاب بین برنامه های مختلف سیاسی نبوده و نیست. اساس سیاست های کلان رژیم جمهوری اسلامی نه در دولت و نهاد و یا شخص رئیس جمهوری بلکه توسط خامنه ای



زنده باد روز جهانی... بقیه از صفحه ۱

در آن روز کارگران ایران توانستند در صف متحد هشت هزار نفری، پرچم سرخ را برافرازند، خود را بعنوان نیرویی اجتماعی و سیاسی پرچمدار رهایی مردم ایران، ستمدیگان و استثمار شوندهگان، توده های شهر و روستا، زنان به حاکمان مرتجع و استعمارگران در کف خیابان ها معرفی کنند. صد سال مبارزه تاریخی این طبقه همچنان ادامه یافته و مرتجعان و سرمایه داران همچنان بر اریکه قدرت سوارند و در این صد سال آنها در اشکال مختلف چه سلطنتی و چه اسلامی با کمک و حتی گاهی در مخالفت با قدرت های امپریالیستی تلاش کردند به گفته خودشان ایران را به مرز تمدن بزرگ رسانند و یا نان و آب و برق مجانی به مردم عرضه دارند. نتیجه این حاکمیت ها و دست در دست بیگانگان دادن چه بار آورده است؟ پادشاهانش که به سر کوروش قسم خوردند، به امر اربابان بیگانه آوردند و بردند، نخست وزیرش را که قهرمان ملی کردن صنعت نفت بود، با کودتا برانداختند، جنبش عظیم توده های میلیونی را که علیه امپریالیسم و نظام سرکوبگر سلطنتی، برخاسته بودند با دخالت مستقیم ماموران سی آی ای به نظامی بسا چپاولگرتر، فاسد تر و سرکوبگر تر سپردند. خیانت امپریالیسم آمریکا به مردم ایران تنها محدود به براندازی حکومت دکتر محمد مصدق، سرکوب چپ و کمونیستها نمی شود، پشتیبانی از خمینی در برابر حکومت شاپور بختیار که همچون دکتر مصدق دل به کمک آمریکا بسته بود، و سرکوب کلیه نیروهای چپ و دموکرات در این چهار دهه بزرگتر و جنایتکارتر همراه با دیگر شرکت کنندگان نشست جهان سرمایه در گوادولوب است که در حق مردم ایران مرتکب شدند و هیچگاه فراموش نخواهد شد.

امروز سرمایه داری آش شله قلمکاری برای ایران بار گذاشته و دعوا بازم بر سر لحاف ملاست. هدف همان هدف صد ساله است: سرکوب جنبش کارگری و انقلابی مستقل ایران. بازیگران؛ نمایندگان همان طبقات ارتجاعی و سرمایه دار با پشتیبانان امپریالیستی اند، حیل و گرانه تر، به روز شده، در دوران تحولات بزرگ سایبری، جنگهای نیابتی، دستگاه های بس عریض و طویل امنیتی و جاسوسی و تروریستی مجهز.

در وین تنها مذاکره در باره چگونگی بازگشت

به برجام نیست بلکه مذاکره در باره آینده حاکمیت ایران و جلوگیری از کسب قدرت سیاسی از سوی اکثریت مردم است. در پشت میز مذاکره همه هستند، با آمریکا و پشت سر نمایندگان اسرائیل نشسته وکل گرایش راست پرو سرمایه داری حضور دارند. تنها نیرویی که آنجا نیست کارگران و زحمتکشان اند و این خود نشانی است از مرزبندی انقلاب و ضد انقلاب نشان اینست که مرزبندی طبقاتی تا حد سیاسی کشیده شده است. دیگر نه شعار همه باهم کاربری دارد، نه فریاد طرفداری از مستضعفان می تواند جنبش را به کج راه کشاند. نجات ایران تنها بدست اکثریت عظیم توده های کارگران و زحمتکشان و از طریق شوراهای کارگری در کارخانه ها، محلات و موسسات امکان پذیر است.

دنیای امروز، دنیای نئولیبرالیسم و سرمایه گلوبال، دنیای نکبت، فقر، بیکاری، عدم امنیت شغلی، رشد و گسترش لشکر بیکاران و آواره گان جهان، دنیای ویرانی محیط زیست، رشد افسار گسیخته میلیتاریسم و ستم و استثمار بر اکثریت بشریت رنجبر و زحمتکش جهان و در برابر دنیای کوچک شدن مشتی از جنایتکاران در هیئتی کوچکتر و متمرکزتر در حاکمیت دولتی و شرکت های سرمایه داری است. طبقه کارگر جهانی و بشریت مترقی این دنیا را نمی خواهند و برای جایگزین کردن آن با جهان نوین سوسیالیستی مبارزه کرده و خواهند کرد. جهانی که بر پرچم آن نوشته شده است "از هر کس به اندازه توانش و به هر کس به اندازه کارش"

حزب رنجبران یازده اردیبهشت روز همبستگی بین المللی کارگر را به طبقه کارگر و همه انسان های عدالت طلب و آزادیخواه ایران و جهان تبریک می گوید

یازده اردیبهشت/اول ماه می، روز همبستگی کارگران را به روز بسیج و سازماندهی وسیع ترین نیروهای استثمار شدگان تبدیل کنیم

سرنگون باد رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی - مرگ بر امپریالیسم زنده باد سوسیالیسم

حزب رنجبران ایران

نه به جمهوری اسلامی... بقیه از صفحه ۱

علیه قدرت سیاسی دیکتاتوری های سلطنتی و ولایت فقیه بوده و همچنان ادامه دارد. پس از پیروزی تاریخی طبقه کارگر روسیه به رهبری حزب بلشویک، تحول انقلابی و ریشه ای در جنبش رهایی بخش ایران پدید آمد. کارگران ایران و روشنفکران آزادیخواه و انقلابی با شرکت در مبارزه کشور همسایه، چگونگی سرنگونی یکی از خون خوارترین امپراتوری های سرکوبگر تزار روسیه را تجربه کردند. آنها به کمونیسم علمی، تئوری رهایی طبقه کارگر و کل بشریت دست یافتند و آنرا به میان کارگران ایران که تازه گام های اولیه را در یافتن آگاهی بر داشته بود، بردند. آنها توانستند تجربه انقلاب مشروطیت ایران را با تجربه انقلاب اکتبر، بویژه در مناطق ملیت های تحت ستم در قفقاز مقایسه کنند و درس بگیرند و از همان آغاز برای طبقه کارگر، در خدمت طبقه کارگر مستقلان دست به سازماندهی طبقه کارگر برای انقلابی نوین و آلترناتیوی که سیمای روشنی از طبقه کارگر و سوسیالیسم داشت، زدند. آنها جزو اولین طبقه کارگری در شرق بودند که با تکیه به تشکلات کارگری و از درون آن با شرکت فعالان پیشرو طبقه، حزب کمونیست ایران را در اولین کنگره خود در بندر انزلی مخفیانه اما موفق بنیاد گذاشتند. از آن زمان تا امروز که بورژوازی ایران بار دیگر در پی اسب عوض کردن است، مبارزه میان دوره، دو جهانی بینی و دو آینده برای خلقهای ایران همچنان ادامه دارد. کارزار "نه به جمهوری اسلامی" ترفند جدیدیست از طبقه بورژوازی در قدرت و علیه قدرت بخشی از حاکمیت، بخشی از بورژوازی رژیم سابق شاهنشاهی و گرایش های سیاسی خرده بورژوازی ایران که پس از سقوط ترامپ و روی کار آمدن دموکرات ها در آمریکا خود را با سیاست جدید بایدن هماهنگ می سازند. وقتیکه آمریکا با طالبان به توافق می رسد و خروج از افغانستان را پیروزی اعلام می کند بی شک بازگشت به برجام و رسیدن به توافق با رژیم جمهوری اسلامی را ادامه سیاست اواما که بایدن هشت سال معاون رئیس جمهوری اش بوده است اعلام می کند. شعار نه به جمهوری اسلامی در حقیقت در برابر شعار "سرنگون باد نظام سرمایه داری جمهوری اسلامی" یک عقب نشینی تاکتیکی نیروهای پرو آمریکائیست که با روی کار آمدن



دارو دسته شبه فاشیست در آمریکا در پی رژیم چنچ با دخالت نظامی آمریکا و اسرائیل بود

ماتریالیست های تاریخی هیچگاه به روند اجتماعی بشریت بریده بریده نظر نمی افکنند. در بررسی شعار " نه به جمهوری اسلامی " ضروریست نگاهی حتی گذرا هم شده حد اقل به این صد سال گذشته تحولات سیاسی و اجتماعی ایران بیفکنیم و ببینیم بازیگران سیاسی این عصر، انحصارات و رقابت امپریالیستها برای تسلط بر جهان، عصر دو جنگ جهانی که میلیون ها انسان جان خود را از دست دادند، عصری که کل بشریت بود و نبودش زیر سوال برده شده و دو راه بیشتر موجود نیست: سوسیالیسم یا بربریت و نابودی طبقات حاکم ایران و قدرت های سیاسی مسلط در جامعه چگونه عمل کرده اند و شعار " نه به جمهوری اسلامی " چگونه می تواند بار دیگر بسود همان طبقه حاکم صد ساله تمام شود.

ما از طبقه بورژوازی ایران حرف می زنیم. بورژوازی که اساسن در دوران تاریخی تغییر سرمایه داری جهانی از مرحله شکوفایی رقابت آزادش وارد مرحله انحصاری می شود و تقسیم مجدد جهان توسط پنج قدرت بزرگ سرمایه داری جهان را وارد جنگهای امپریالیستی و انقلابات پرولتاریایی میکند. بورژوازی ایران در این دوران تاریخی افتان و خیزان، گاهی در جدال و اکثر ا در دنباله روی از سرمایه جهانی، اما با مشت آهنین دیکتاتوری سرکوبگر سلطنتی و ولایت فقیه تکامل یافته است. خیانت بزرگ بورژوازی ایران از لگد مال کردن دستاورد انقلاب مشروطیت شروع می شود و رضا خان میر پنج بانی اساسی این بنای تا آسمان کج رفته ایست که اولین خشت آنرا بنا می گذارد. بورژوازی ایران چه آن بخشی که نمایندگانشان دیکتاتوری های خانواده پهلوی اند و چه این بخشی که بیش از چهار دهه است زیر بیرق اسلام حکومت می کند بجای حمایت از توده های زحمتکش و شکوفا ساختن ابتکارات و خلاقیت زنان و مردان آزادیخواه شیوه سرکوب، زندان و شکنجه را در پیش گرفته اند و در نتیجه هر بار با مخالفت اکثریت عظیم مردم رو برو شده اند و در برا بر خیزش های مردم بجای زانو زدن، راه تسلیم طلبی را در برابر بیگانه گان در پیش گرفته اند. این بورژوازی با بورژوازی اروپایی در زمینه هایی تفاوت دارد. بورژوازی اروپایی با تدارکی همه جانبه با افکاری نوین طی چندین قرن، از

آغاز قرن دوازدهم میلادی آغاز دوران رنسانس تا انقلاب کبیر فرانسه در قرن هجدهم به قدرت سیاسی دست یافت در حالیکه بورژوازی ایران نماینده اش یک افسر قزاق ملقب به میرینچ، بی سواد با پشتیبانی کنسول انگلیس در تهران و تأیید لرد کرزن وزیر امور خارجه بریتانیا با کودتا ۱۲۹۹ انگلیسی سید ضیا، به قدرت سیاسی دست یافت. بورژوازی ایران به عنوان یک طبقه در این سال ها تن به خفت دیکتاتور های قهاری داده که دهان می دوختند، آزادی را برای ادامه سلطه از گور کوروش و دست بریده ابوافضل طلب می کردند. هر دو نظام شدیدن دیکتاتوری، ضد کمونیستی، ضد سازماندهی فرو دستان و زحمتکشان، ضد هرگونه نهاد اجتماعی مستقل، با تسلط کامل دستگاه های امنیتی عمل کرده اند و از لحاظ اقتصادی وابسته به بازار سرمایه جهانی بوده اند.

با کودتا اولین پهلوی اش بر سر کار می آید و به امر انگلیس ها از تختش پائین کشیده می شود و به خواری بدون هیچگونه مقاومتی تن به اخراج از ایران و تبعید به یک جزیره متروکه در آفریقای جنوبی میدهد. چقدر سرشکستگی برای ملتی که پادشاهش را به چنین خفتی تبعید کنند؛ بطوری که پسرش حتی پس از نشستن به تخت جرات باز آوردن او را به ایران ندارد اما به دستور اربابانش به پیشواز آیت الله ها به خانقین می رود. خیانت این بخش بورژوازی حاکم در ایران تا آنجاست که وقتی جنبش عظیم ملی کردن صنعت نفت در ایران اوج می گیرد و دکتر مصدق بر ضد شرکت نفت چپاولگر انگلیس مقاومت می کند، سمت انگلیس را می گیرد و شاه پس از فرار به بغداد در ۲۵ مرداد ۳۲، هنگامیکه اولین نقشه کودتای مشترک انگلیس و آمریکایی شکست می خورد، بازگشتش را تنها کودتای ۲۸ مرداد ۳۲ امکان پذیر می سازد. این خیانت ها تا بدینجا خاتمه نمی یابد. اسناد سال های اخیر انتشار یافته و روایات منتشر شده ماموران امنیتی آمریکا در ایران آنروز، نشان میدهد محمد رضا شاه هم که ادعای استقلال را در اواخر دوران سلطنتش را داشت، سر سپردگی خود را به بیگانگان با تسلیم شدن به آنها نشان داد و تسلیم شد. چنین است ماهیت قدرت سیاسی حاکم در ایران که از دل جامعه نیمه مستعمره - نیمه فتودال بیرون آمده و زیر بال سرمایه جهانی و در سایه تسلط آنها تکامل یافته است. جامعه سرمایه داری شده ایران با آنچه در

اروپا و جوامع اروپایی طی شده، متفاوت است و این تفاوت ها ویژگی هایی را بوجود آورده که بر بغرنجی تحلیل سیاسی از اوضاع افزوده است. حاکمیت بورژوازی ایرانی در تمام این دوران شکلکی از نظام پارلمانی را با کپی برداری از اروپا به عاریت گرفتند. احزاب از بالا به دست و اشاره دیکتاتورها مثل قارچ روئیدند و درو شدند. پول نفت و فروش ذخایر زیر زمینی نقش دیکتاتور ها را در جیره خوار کردن بوروکراسی نظامی و اداری و دستگاه های امنیتی سرکوب گر صد چندان کرد.

از سرگذشت دوران آخر سلسله قاجار، دوران سقوط رضا شاه و محمد رضا شاه و سلسله پهلوی بخوبی می توان از نقش بیگانگان در آوردن و بردن حکومت ها درس گرفت بخصوص اینکه در این دوران بخشی از بورژوازی ایران همیشه تلاش کرده است خود را از یورش متعفن سرمایه جهانی بیرون کشد اما هر بار با شکست روبرو شده است. تجربه تلاش جبهه ملی برای تبدیل شدن به یک آلترناتیو آزادیخواه و ملی از نوع اروپایی اش سرنوشتی جز سرکوب توسط امپریالیست ها نداشته است. این تاریخ برای نیروهای سیاسی طرفدار اقتصاد سرمایه داری اما مستقل همانند طرفداران دکتر مصدق و جبهه ملی بسیار آموزنده است. در تاریخ کشور هایی شبیه ایران هیچ نمونه ای نیست که نشان دهد انحصارات آمریکایی اجازه رشد سرمایه بومی و ملی را داده اند. آمریکا علاوه بر دخالت مستقیم نظامی برای گماردن حکومت های طرفدار خود در هفتاد سال گذشته سی آی ای را در بیش از شصت کشور جهان بکار برده تا حتی حکومت هایی را چون مصدق بر اندازد. متاسفانه طرفداران شادروان شاپور بختیار، نقش خرابکارانه آمریکا در به شکست کشاندن تلاش بختیار را نا دیده می گیرند.

در دوران تسلط انحصارات جهانی و سرکردگی بلامنازع آمریکا بر بازار مالی جهان، سرمایه ملی حق نفس کشیدن ندارد. گرایش های سیاسی متعلق به این نوع سرمایه داری برای رسیدن به آرزوهای نیک استقلال ایران باید با طبقه کارگر و توده های عظیم مردم ستمدیده همراه شوند و برنامه سیاسی طبقه کارگر را حمایت کنند. با آمریکا و با بانک جهانی و با اقتصاد نئولیبرالیستی آمریکایی نه استقلالی میسر است و نه رفاه اجتماعی برای کارگران و زحمتکشان.

یکی از ارزش ترین مواضع طبقه کارگر ایران و چپ و کمونیست های وفادار به طبقه



قدرت نظامی است که نه یک بمب بلکه دو بمب اتمی را بر سر مردم بی گناه دو شهر ژاپن میزند نه بر سر سربازان و ارتش ژاپن بلکه بر سر مردم عادی شهرها، در جنگ کره و ویتنام از بمب ناپالم استفاده می کند و در قتل عام بالای سه میلیون مردم اندونزی مبتکرانه شرکت دارد، به آوردن و بردن محمد رضا شاه و جنایتکارانه تر به روی کار آوردن دارودسته ی اسلامی گرایان ایران مستقیم یاری می رساند آنوقت بخشی از نمایندگان سیاسی بورژوازی و خرده بورژوازی ایران دست طلب بسوی امپریالیسم آمریکا دراز کرده اند که به آنها یاری کند تا رژیم چنچ کند.

طبقه کارگر بهیچوجه مثل بورژوازها عقاید اساسی خود را پنهان نمی کند. آشکارا از همان روز اول اعلام کرده در پی جهانی خالی از استثمار انسان از انسان و ستم بهر شکل و محتوا می باشد. جهانش نه شرقی است و نه غربی نه جهانی است تقسیم شده به سه- جهان اول، دوم و سوم یا جنوب و شمال. جهان پرولتاریا تقسیم شده میان دو طبقه اساسی، کارگر و بورژوازی. در این تقسیم بندی لشگری عظیم میلیاردری قرار دارد که با قبول تفاوت هایی باهم در زمینه سطح درآمدها و سطح سازمان یابی و امکانات تشکیلاتی اما در اساسی ترین معیار مرزبندی طبقاتی یعنی استثمار مشترک اند.

چنانچه این لشگر میلیاردری متحد شود، مشمت کوچک سرمایه داران را که با رشد انحصارات بازم از تعدادشان مقایسه ای کاسته می شود تنها فوت بکنند، باد خواهد بردشان. این تقسیم بندی وفادار به جهان بینی پرولتاریایی، به ماتریالیسم تاریخی و دیالکتیک بعنوان تئوری پیشرفته برای رهایی بشریت است. پرولتاریا سازندگان تاریخ را توده ها می داند. طبقه کارگر رهایی اش با رهایی کل بشریت گره خورده است و چنانچه پیشروان طبقه، پیشرفته ترین سلاح علمی خود را بکار گیرند، متشکل شوند و انترناسیونال کارگری را بار دیگر بر پا سازند تحقق چنین دنیایی نه تنها به چشم اندازی واقعی تبدیل می شود بلکه با شکوفایی ابتکارات لشگر میلیاردری زنان و مردان آگاه، عملی خواهد شد. تئوری پرولتاریایی نه تنها سلاح برنده ای برای بررسی جامعه و تاریخ گذشته مردمان جهان است بلکه سلاحی است برای چگونگی رسیدن به این شناخت و بکارگیری مغز برای بیرون کشیدن حقیقت نسبی از واقعیات. ماتریالیسم دیالکتیک راهنمای شیوه تفکر و سبک کار

سرمایه، کارگران ایران، قدم به قدم در نبرد های پی در پی، سنگرها را تسخیر کرده اند و امروز به نیرویی عظیم و سرنوشت ساز در جامعه تبدیل شده اند. نیروهای چپ و کمونیست و سوسیالیست هم با قربانی بسیار و از دست دادن بهترین رفقاییشان، با زندان های طولانی که در تاریخ جهان ضد کمونیستی نمونه است افتان و خیزان اما همچنان با جمع بندی مکرر از تجارب و از شکست ها آبدیده تر و با درایت تر همسو و همراه با طبقه کارگر در راه هستند. امروز این آلترناتیو از پشتیبانی کلیه جنبش های اجتماعی توده ای از تشکلات مستقل کارگری گرفته تا جنبش معلمان، زنان، پرستاران، بازنشستگان، بیکاران و حتی وسیعترین اقشار خرده بورژوازی که در این سال های بحران اقتصادی به تهی دستان تبدیل شده اند به این گرایش اجتماعی و آلترناتیو رو آورده اند و هر روز بر قدرت این اردودگاه چپ و دموکراتیک و میلیونی افزوده میشود.

در اینجا مخاطبان ما دوستانمان هستند. کسانی که در این صد سال گذشته در سمت کارگران و توده های عظیم ستم دیده و استثمار شده ایستاده، با کلیه ستم ها از ستم ملی گرفته تا ستم به زنان مبارزه کرده، از سرمایه داری نئولیبرالیستی امپریالیستی لطمه سنگینی خورده، ضد دخالت خارجی در شئون سیاسی و اقتصادی ایران بوده و امروز منافعش در گرو سرنوشتی کل نظام سرمایه داری است. بحران کنونی ساختاری سرمایه داری را با همه جاگیر شدن لجام گسیخته کوید - ۱۹ و تغییرات جهشی آن و ناتوانی نظام حاکم در برابر آن شرایط را هر روز برای خیزش از کف خیابان ها فراهم می کند.

باید در برا بر شعار "نه به جمهوری اسلامی " پرچم "نه به جمهوری اسلامی و آری به جمهوری سوسیالیستی" را به اهتزاز در آورد. در جامعه طبقاتی همه پدیده ها مهر طبقاتی خورده اند و منافع طبقاتی چنان پر قدرت است که حتی بدیهی ترین فرمول ریاضی را که دو، دوتا چهار را پنج می کند. دوران ما دروغ و تزویر و بویژه جعل اخبار و قلب تاریخ دامنه گسترده ای بخود گرفته است. رژیم جمهوری اسلامی یکی از این نمونه های برجسته در این زمینه است. دروغ های بزرگ گوبلی در مورد تاریخ جنبش چپ و کمونیستی است. بگذارید تنها اشاره ای کوتاه به نقش تبلیغات دروغین ضد کمونیستی بورژوازی پس از جنگ جهانی دوم کنیم: امپریالیسم آمریکا

کارگر از همان آغاز اینست که هیچگاه سنگر مبارزه با استعمار و امپریالیسم را ترک نکرده است. امروز هم ما با یک بحران عمومی بورژوازی حاکم در ایران روبرو هستیم نظام جمهوری اسلامی هم بر همان منوال سابق و دخالت سرمایه جهانی و برای جلوگیری از پیروزی طبقه کارگر و نیروهای مترقی شکل گرفته است و در نتیجه بار دیگر کل جامعه در برابر بحرانی عظیم تر از هر زمان دیگر قرار گرفته است. خیزش های توده ای دیمه نود و شش و آبان ماه نود و هشت نشانی بارز از این بحران در کف خیابانها، در وسعتی میلیونی و سراسری است. شعار نه به اصول گرایان و نه به اصلاح طلبان از قعر دریای هیچ بودگان جامعه بر خاست و کل نظام سرمایه داری حاکم را نشانه رفت. شعار اصلی شان علیه هر دو جناح حاکم و علیه نظام سرمایه داری نئولیبرالیستی برای پیروزی بدیل کارگری و تغییر بنیادی نظام های تابعال موجود جامعه ایران بود. عظمت این جنبش ها و خواست های رادیکال انقلابی بود و هست که آب به سوراخ بورژوازی ایران و قدرت های امپریالیستی جهان ریخته و بار دیگر شاهد فعال شدن قدرت های خارجی در روند شکل گیری مبارزات مردم علیه حاکمیت کنونی هستیم و بار دیگر هراسشان از یکی شدن چپ و دموکرات و تبدیل آلترناتیو کارگری به پرچم عمومی کارگران، زحمتکشان و اکثریت عظیم توده های مردم هستیم. این وضع شکافی باز بیشتر میان طبقه بورژوازی حاکم و غیر حاکم بوجود آورده و نشانی از یک تغییراتی در مناسبات آنها دیده می شود. کارزار نه به جمهوری اسلامی بازتابی است از این تغییرات. اما بخش بورژوازی حاکم به سرکردگی خامنه ای هم دست روی دست نگذاشته و در برابر مانورهای بخش های دیگر همانند محمد رضا شاه ادعای استقلال را دارد و اعلام می کند:

برجام بی برجام مگر اول برداشتن تمام تحریم ها و ایجاد یک اقتصاد مقاومتی در برابر فشار حداکثری خوب در برابر مانور بورژوازی حاکم و مخالف آن طبقه کارگر با توجه به ویژگی کنونی ایران اوضاع و تاریخ گذشته چه می گوید. با اینکه این مبارزه در این صد سال، مبارزه ای که گاهی به شرکت میلیونی توده ها کشانده شده است، برا ثر نقش فعال بورژوازی ایران این مار خوش خط و خال و پشتیبانان امپریالیستی آنان به پیروزی راه حل سیاسی طبقه کارگر نرسیده اما گورکنان



صحنه آمده و انتخابات را تعیین کننده دانسته و از همه می خواهند که برای خاطر اسلام و..... در این انتخابات شرکت کنند. مجیزگویان هم به تکرارهای احمقانه آن تا سر رسید انتخابات ادامه می دهند. در حقیقت این انتخابات برگردان وارونه ای از انتخابات های دولت های بورژوازی کشورهای معظم سرمایه داری است که نه ساختارهای رژیم بلکه خامنه ای و اطرافیانش تعیین کننده پیروز انتخابات ریاست جمهوری هستند. تکرار همیشگی این سناریو سال هاست به بی اعتمادی عمومی به این انتخابات انجامیده است. در پس وعده و عید های انتخاباتی مزدبگیران پائین جامعه نه تنها با زندگی سخت تر و وضع اقتصادی بدتر دولت های بعدی روبرو هستند بلکه جامعه در ناامنی اقتصادی بیکاری و معضلات بسیار بیشتری دچار می شود. آنها که قول آزادی را می دادند بیشتر از گذشته آزادیخواهان را به بند کشیدند، آنها که وعده نان می دادند با گران کردن کالاها نان را از سفره ها ستاندند و آنکه قول پاکی می داد، یکی از فاسدترین حکومت های تاریخ ایران را به خود اختصاص داد. آنکه می خواست حرمت انسانی را به زنان برگرداند بیشتر از گذشته فعالین جنبش زنان را به بند کشید. آنکه قول مبارزه با فساد می داد بیشترین فساد و دزدی را به نام خود ثبت کرد. این پرونده انتخابات تمامی رئیس جمهوری های ایران است. و این آخری که می خواست کلید حل مشکلات و دولت تدبیر و امید باشد، با بی تدبیری خود وضع آشفته و نا بسامانی از اقتصاد و فرهنگ و سیاست از خود بجای گذاشت. تمامی این دولت ها هم از پشتیبانی رهبر حکومت اسلامی برخوردار بودند. البته در این جا این مثل فارسی که می گوید ماهی از سر گنده گردد نی ز دم، فتنه از عمامه خیزد نی زخم. شامل حال تمامی این دارودسته هاست. البته زیاد هم فرقی نمی کند که دولت بعدی از اصلاح طلبان با شد و یا از اصول گرایان.

چرا که تمامی آنها سعی به ورود به دایره منحوس نزدیکان خامنه ای و گرفتن سهم بیشتری از قراردادهای اقتصادی و تقسیم آن بین فامیل و اطرفیان و دوستان خود هستند. با توجه به پرونده سیاه انتخابات که در واقع انتصابات است، و رشد دائمی فساد و دزدهای دولتی چه از طریق قراردادهای و چه از طریق بودجه بندی های جانبدارانه. کم کردن حقوق مزدبگیران پائین جامعه و اضافه کردن بودجه های نهادهای نزدیک به رژیم

های امپریالیستی جهان بویژه امپریالیسم آمریکا برای براندازی آن یا تغییر سیاست های خارجی آن تلاش کرده و می کنند. طبقه کارگر و کلیه گرایش های چپ و کمونیست باید به گرد آلتزناتیو کارگری جمع شوند و وسیع ترین اتحاد میلیونی را برای نه گفتن به جمهوری اسلامی با هدف عبور از آن و جایگزینش با نظامی بدست خود کارگران و متحدانش یعنی اکثریت عظیم مردم بوجود آورند.

محسن رضوانی

انتخابات ریاست... بقیه از صفحه ۱

احمدی نژاد گله مندانه گفت اگر قرار بود که بر سر مسئله هسته ای توافقاتی انجام گیرد می توانست در زمان من به ثمر برسد. مفهوم این گفته احمدی نژاد هیچ کاره بودنش در امر تصمیم گیری های مهم سیاسی بوده است. البته نقل قول های زیادی از دیگر رؤسای جمهوری ایران مبنی بر اینکه من هیچکاره ام و یا من تنها رئیس دفتر رهبریم، وجود دارد که عملاً پادو بودن این نهاد را که بطور واقعی انتخاباتی هم نیست، روشن می کند. انتخابات در ایران همچون اکثر کشورهای سرمایه داری با رقابت کاندیداها از احزاب و گروههای مختلف شکل می گیرد. بورژوازی ایران با تقلید از کشورهای عمدتاً غربی دو جناح اصلاح طلب حکومتی و اصول گرایان و نیروهای مستقل را به عنوان نیروهای رسمی انتخابات به صورت دوره ای می پذیرد و آنهایی که در بیرون از این دایره هستند حتی امکان تبلیغاتی هم ندارند. هر چند گاهی رئیس جمهوری از جناح اصولگرا و یا اصلاح طلب با سایه روشن های تندرو و میانه انتخاب می شود. زمینه ای تبلیغاتی، استفاده رسمی از رسانه های دولتی و غیر دولتی تا وعده و عید ها به صورت آزار دهنده و کر کننده ای دو خط انتقاد و اتهام های سطحی و نشان دادن سراب ها به جای اهداف عملی را تشکیل می دهند. در نتیجه وضعیت انتخابات در بالای جامعه و بین دولتیان روشن است. در هر انتخاباتی خامنه ای و اکثر آخوندها به جلوی

چپ و کمونیست هاست. از جهان مادی جان می گیرد، جهانی که هر روز بیشتر شناخته می شود و بر توان انسان برای کشف قوانینش و بکار بردش برای رسیدن به رهایی نهایی از استثمار و ستم طبقاتی می افزاید. قدرت این جهانی بینی و تئوری چنان است که هر بحران اقتصادی و اجتماعی که بوجود می آید می نویسند مارکس راست می گفت. رهبر کاتولیک های جهان اخیراً اذعان کرد داستان کتاب مقدس که خدا جهان را در شش روز آفرید بی اساس است. دروغی که کلیسا طی قرن ها بهترین انسان ها را که شکی بخود راه داده بودند، قربانی میکرد. اسلام و شیعه گری و دیگر فرقه های اسلامی امروز در جهان کوس رسوایی شان بر سر هر بام و کویی زده شده است. خوبی این تئوری در اینست که سلاح برنده ای در تحلیل مشخص از اوضاع مشخص است یعنی پراتیک را در روند شناخت اساس قرار می دهد، قوانین تضاد را در شناخت پدیده ها و تکامل آنها بکار می گیرد. این علم موکدا می گوید بدون تحقیق و بررسی هیچکس حق حرف زدن را ندارد.

چپ روی و راست روی در زمینه خط مشی عمومی پرولتاریایی در کشور ما ایران این مبارزه از همان آغاز تشکیل حزب کمونیست ایران تا امروز جریان داشته است. در حزب کمونیست ایران در ارزیابی از ماهیت طبقاتی رضا شاه و جنبش جنگل، بعد از شهریور بیست بر سر ادامه حزب کمونیست یا ایجاد حزب توده ایران با یک برنامه دموکراتیک، سپس برخورد به رژیم شاه پس از برنامه انقلاب سفید و برجسته تر از همه برخورد به جریان اسلامی خمینی. با اینکه بعضی انحرافات سکتاریستی چپ روانه در تاکتیکها دیده می شود اما جریان انحرافی راست نقش عمده و اساسی را داشته است. برجسته ترین و مهمترین معیار در سنجش ماهیت نظام های حاکم سیاسی ضد کمونیستی و کارگری آنها بوده است. در نتیجه هر جا و هر زمان پرولتاریا بجای مبارزه، راه سازش، همکاری و یا برخورد دوگانه رابا بورژوازی در پیش گرفته باعث مخدوش کردن مرزبندی بین دوستان و دشمنان انقلاب شده و از قدرت و بسیج گرایش های کمونیستی و انقلابی کاسته و نتیجه آن سرکوب بی امان دشمن و شکست جنبش بوده است.

امروز طبقه کارگر ایران و جنبش کمونیستی و چپ ایران با رژیم مرتجع اسلامی ضد کمونیست روبروست رژیمی که ظاهراً قدرت



همچون حوزه های علمیه، نهادهای امنیتی و ورود به بازارهای بورس و ارز و به ویرانی کشیدن تولید و بیکار کردن هزاران نفر در جامعه، عدم مدیریت صحیح اقتصادی، عدم کفایت مدیران دولتی تا بالاترین سطوح، باند بازی، هر بار با بازی انتخابات به روز می شود و بعد از انتخابات مجددا سیاست های ویرانگر اجتماعی با عناوین دیگری از سر گرفته می شود.

انتخابات در عین حال راه فرار برای توجیه رژیم جمهوری اسلامی بخاطر وضع اسفناکی است که برای اکثریت مردم بوجود آورده است. معمولا همه تقصیرها به گردن دولت گذشته انداخته می شود و قول حل فوری تمامی مشکلات داده می شود. بی اعتمادی مردم به انتخابات رژیم جمهوری اسلامی به حدی است که کاندیداها با سور و سات دادن در روستاها و جمع آوری لومپن های کلاه مخملی و دفاع از مبتذل ترین خوانندگان و فرهنگ نوحه خوان ها سعی به جمع آوری رای برای خود دارند. البته دستگاه روحانیت فرزند خلف آیت الله کاشانی هستند که در پشت سر خود تقریبا بیشترین لات ها و چاقوکش های تهران را جمع کرده بود. و توسط آنها سیاست های نوکر منشانه و استعماری خود را پیش می برد.

تاریخ انتخابات در رژیم اسلامی ایران نشان از تنگتر شدن دایره قدرت در بین حاکمین و نیروهای وابسته به آن را دارد. این روند در خود تملق گوئی، چاپلوسی و حقارت شخصیتی و سیاسی اکثر وزیران و مدیران بالای دولتی را تشدید و یا آنهایی که به این روند گردن نمی گذارند به بیرون دایره قدرت پرتاب می کند. جایگاه به بیرون پرتاب شده گان از دایره قدرت به هیچ وجه برای آنها وجه ضد استبدادی و ... نیآورده است. بیشتر آنها به نصیحت کنندگان حاکمین و ظاهرا اصلاح طلبانی تبدیل می شوند که به قول معروف کاسه داغ تر از آش عمل می کنند. و بطور مرتب ترس از انقلاب و از دست رفتن اسلام را به حاکمین یادآوری می کنند. در طی ۴ دهه گذشته تعداد بسیار بسیار کمی از آنها توانستند به انتقادهای رادیکال و مترقی از رژیم اسلامی دست بزنند و ایده های پایه ای و سیاست های بنیادی آنها به چالش بکشند و خود را به تمامی از رژیم اسلامی جدا کنند. کاندیداهایی که از فیلتهای رژیم می گذرند و به سطح بالای انتخابات می رسند در سیاست و مدیریت فرق زیادی با هم نداشته و تقریبا

همه از یک قماش هستند. با درک و شناخت این مسئله است که شعار "اصلاح طلب، اصولگرا دیگه تمامه ماجرا" به یک شعار وسیع مردمی تبدیل شده است.

بازی خبری و انتخاباتی ائتلاف جناح های مختلف با یکدیگر و یا علیه یکدیگر تنها برای گرم کردن تنور انتخابات است و دیگر هیچ. گسست مردم از رژیم و مقابله با آن در انتخابات برای رژیم در عین اینکه بسیار گران تمام شده و نشان از نفرت مردم از حاکمین است. اما برای رژیم جمهوری اسلامی با دستکاری در صندوق های رای به نفع کاندیداهای مورد نظر، تلاش می کنند هم تعداد رای دهندگان را چشمگیر نشان دهند و هم سرپوشی بر این گسست عمیق بگذارند. اخباری هم دست به دست می گردد که گویا در روز انتخابات به تمام رای دهندگان واکسن کرونا تزریق خواهد شد. جدا از صحیح بودن و یا شایعه اخباری از این دست حاکی از تلاش حاکمین برای کشیدن مردم به بهانه های گوناگون به پای صندوق های رای گیری از یک طرف و احمق فرض کردن رای دهندگان از طرف دیگر است.

روشن است که شرکت در این انتخابات یعنی اجازه دادن به رژیم که در آینده به سرکوبگری با دست بازتری ادامه دهد، یعنی ادامه بی حقوقی زنان، سرکوب آزادی های اجتماعی و فردی، گسترش مواد مخدر، سرکوب ملیت های ساکن ایران، به فقر کشیدن بیشتر کارگران و زحمتکشان و چاق و چله کردن سرمایه داری انگلی ایران، یعنی ویرانی محیط زیست، یعنی امکان بقای بیشتر سیستم مافیایی آخوندها و آقازاده ها، یعنی اجازه دادن به رژیم که یک دوره دیگر گروه تازه نفسی را برای ادامه سیاست های ستمگرانه و استثمارگرانه خود به خدمت بگیرد. روشن است که مردم ما به همه این موارد نه گفته اند و خواهند گفت . شرکت در این انتخابات را باید بایکوت کرد و نه تنها در آن شرکت نکرد بلکه تلاش کرد که دوستان و اطرافیان شما در شرکت نکردن و بایکوت انتخابات شما را همراهی کند . به عدم شرکت فعال در انتخابات رژیم بیبوندید. این اولین قدم در از سر راه برداشتن این رژیم و جایگزینی رژیمی که مدافع اکثریت جامعه و آزادی، عدالت اجتماعی و رژیم مبتنی بر اراده آزادانه اکثر مردم فرودست جامعه یعنی کارگران و زحمتکشان است.

انتخابات رژیم را بایکوت کنید
به مقابله فعال برای عدم شرکت در انتخابات
رژیم اسلامی بیبوندید
سرنگونی با رژیم جمهوری اسلامی
زننده باد سوسیالیسم

شکست دیگری برای... بقیه از صفحه ۱

دارد کلیه نیروهایش را بگذارد تا بدست طالبان نابود شوند و در همانجا به یادگار بمانند و همچون گذشته سربازان ترکیه در جنگ کره یک نفر جان سالم به ترکیه بر نگشتند. آمریکا در این عقب نشینی همچون ویتنام بدنبال افغانی کردن جنگ افغانستان و سپردن حکومت به دست طالبان نیست؟ چه کسانی به طالبان در سطح مالی و نظامی کمک می کنند؟ پاکستان، قطر، عربستان طی سال های متمادی از طریق چراغ سبز آمریکا و متحدینش، طالبان را در عرصه روی در رویی در افغانستان حفظ کردند تا هر وقت خواستند از آنها در کارت فشار معادلات بازی قدرت در افغانستان استفاده کنند. سالهاست که مردم افغانستان آرزو دارند که نیروهای اشغالگر ناتو خاکشان را ترک کنند. اما در حال حاضر آمریکا قصد به راه انداختن جنگ داخلی دیگری در افغانستان را در سر می پروراند. با رشد قدرت های بزرگ رقیب آمریکا در سطح جهانی افغانستان اهمیت استراتژیک قبلی خود را از دست داده است و آمریکا نمی تواند با پخش نیروهایش در سطح جهانی همچون گذشته از عهده مبارزه با رقبای جدید در عرصه نظامی و اقتصادی پیروز بیرون بیاید

از هم اکنون لرزه به اندام نیروهای پرو آمریکایی افتاده است. با خروج نیروهای تجاوزگر خارجی ترشان اینست که دولت کابل سقوط کند. دولت آلمان اعلام کرد به هشتصد افغانستانی همکار آنها از جمله چهارصد مترجم پناهندگی می دهد. از اقدامات امپریالیسم آمریکا در این مورد خبری نیست. شبانه و بدون هیچگونه اطلاع قبلی وزیر امور خارجه آمریکا وارد پایگاه نظامی آمریکا شد تا طی چند ساعت اقامت در افغانستان با قول های تو خالی اش به دولت افغانستان از ریزش حکومت جلو گیرد. چنین است سرنوشت تجاوز به کشوری دیگر و چنین است سرنوشت خود فروشان بیگانه پرست و نوکران امپریالیسم آمریکا. آمریکا، نیروهای



ضد کمونیست و ارتجاعی طالبان را بوجود آورد و یکبار به قدرت رساند ولی همان نیروی ارتجاعی در عمل به نیروی مقاومت علیه اربابانشان تبدیل شد و امروز می بینیم که بزرگترین ارتش جهان همانند پنجاه سال گذشته پس از دو دهه کشت و کشتار و هزینه میلیاردی مردم آمریکا دمش را روی کولش می گذارد و با سرشکستگی کامل طرفدارانش را تنها می گذارد. چنین است درس مهمی که طرفداران رجوی و رضا پهلوی و دیگر رسانه های پرو آمریکایی باید بگیرند.

در دوران افول ابر قدرت امپریالیسم آمریکا نیروهای آزادیخواه و مترقی جهان که سالهاست تاکید دارند مبارزه علیه ارتجاع داخلی از مبارزه علیه امپریالیسم جدا نیست باید همچنان به پشتیبانی نیروهای مترقی و ضد ارتجاع داخلی در افغانستان ادامه دهند. با قدرت گیری طالبان هجوم به حقوق فردی و اجتماعی علیه مردم بویژه زنان بازم شدیدتر می شود. بر ماست که از جنبش ضد اشغالگری، جنبش زنان و مبارزات درخشان آنها در این سال ها پشتیبانی کنیم.

وفا جاسمی

جهان در سالی که گذشت

سالی که گذشت نه تنها برای مردم در ایران بلکه سرتاسر جهان سالی سخت و دشوار بود. اوایل سال گذشته با رشد و گسترش کرونا آغاز شد. بسیاری از کشورها ناشی از حکومت های مرتجع یا فقر عمومی نتوانستند علیه شیوع ویروس کرونا به موقع وارد عمل شوند. برخی از کشورهای بزرگ و ثروتمند جهان هم با اتخاذ سیاست های دوگانه و تعلق به رشد این ویروس یاری رساندند. اکثریت قریب به اتفاق کشورهای جهان با آلوده شدن به کرونا دچار افت اقتصادی شدید و بسته شدن جوامع شدند. بسیاری از کسب و کارهای کوچک دچار ورشکستگی شدند. و کمپانی های بزرگ به سودهای هنگفت و سرسام آور رسیدند. که این مسئله ضرورت ارتباط تنگاتنگ مبارزه طبقاتی و علمی علیه این ویروس را نشان می دهد. مبارزه برای استفاده از واکسن های خودی هم به بخشی از مبارزه بین کمپانی های تولید کننده واکسن و دولت های حامی آنها و جناح های مختلف قدرت در جهان تبدیل شد. سود بورژوازی بر جان انسان ها ارجحیت یافت و بر طبق معمول فقیرترین

کشورها کمترین واکسن کرونا را دریافت کرده اند. آمار کشته شدگان ناشی از این ویروس به مرز ۲۷۰۰۰۰۰ نفر رسید و این آمار همچنان در حال رشد است.

رشد سریع ویروس کرونا فرصتی برای سرمایه داری در جهت محدود کردن مبارزات برای کسب حقوق بهتر و بیشتر اجتماعی تحت عنوان "فاصله اجتماعی" بوجود آورد. تحت این عنوان پلیس کشورهای معظم اجازه تظاهرات و اعتصابات را تا مدتهای نا معلوم لغو کردند. جنگ واکسن با ظاهری علمی و تخصصی ولی عملا اقتصادی و سیاسی در خدمت رقابت های جهانی بشدت جریان داشت.

در انفجار مهیبی که به انهدام بخش بزرگ یکی از محله های بیروت منجر شد نزدیک به ۲۰۰ نفر جان خود را از دست دادند. دولت اعلام کرد که نتایج تحقیقات خود را در رابطه با دلایل انفجار و دست هایی که در آن دخالت داشته اند اعلام خواهد کرد. ولی اینک که نزدیک به یک سال از آن ماجرای غم انگیز می گذرد دولت لبنان هیچ گونه اطلاع رسانی نهایی را انجام نداده است. بلافاصله رئیس جمهوری فرانسه وارد بیروت شد و برای سیاستمداران بیروت خط و نشان کشید و تلاش کرد که از شرایط دشوار جامعه لبنان به سود کمپانی های فرانسوی و به زیر قرض کشیدن دولت لبنان برای خود کلاهی بدوزد.

کشته شدن یک سیاه پوست به نام جورج فلویید به دست پلیس نژاد پرست آمریکا در سال گذشته باعث خشم عمومی جامعه شد. این اعتراضات که از سیاه پوستان آمریکا شروع شد به سرعت پشتیبانی دیگر نژادهای سفید پوست و رنگین پوستان را به خود تحت عنوان "زندگی سیاهان مهم است" جلب کرد. جناح های مختلف بورژوازی از حزب دمکرات تا جمهوری خواهان آمریکا هر یک با سیاست نان فندی و چماق تلاش کردند که اعتراضات ضد نژاد پرستی و سرمایه داری در آمریکا را به کجراه کشیده و متلاشی کنند. دمکرات ها تلاش کردند از این اعتراضات در انتخابات سال ۲۰۲۱ برای خود کلاهی بدوزند از این موضع خواهان اصلاحات در سیستم پلیسی آمریکا شدند و جمهوری خواهان آنها گروه های شورشی، تبهکار، تروریستی و کمونیستی خواندند. به مدت یکماه جامعه آمریکا در جدال و کشمکش علیه نژاد پرستی و بربریت سرمایه داری آنهم بصورت توده ای به دو گروه بزرگ اکثریت و اقلیت کوچکی از مدافعان نژاد پرست و طرفدار دولت درگیر بود. هزاران نفر

دستگیر و دهها نفر کشته شدند. درعین حال سال گذشته شاهد یکی از بزرگترین تظاهرات تاریخ چند دهه گذشته کشاورزان هند تحت رهبری حزب کمونیست هند بودیم. فساد اداری- پلیسی و سرکوب، قیمت کالاهای کشاورزی و دست درازی به زمین های کشاورزان از جمله موارد اعتراضی کشاورزان هند بود. در عین حال مردم عراق علیه فساد دولتی به پا خاستند، خواست های آنان هم مبارزه با فساد گسترده اداری و توقف سرکوب ها بود.

در بولیوی در انتخابات سال گذشته حزب جناح چپ که مورالس از رهبران آن است مجددا بر جناح راست هیئت حاکمه و طرفدار غرب پیروز شد. در مدتی کوتاه جناح راست سعی کرد دست به تغییرات بزرگی به نفع کمپانی های خارجی بزند و دستمزد کارگران و خدمات اجتماعی را کاهش دهد که به علت شکست در انتخابات اخیر نتوانست به همه خواست های خود برسد. این پیروزی بعد از تغییر حکومت های برزیل و دو سه کشور دیگر آمریکای لاتین به طرف راست نقطه مهمی در ایست دادن به تهاجم راست برای گرفتن قدرت از دست نیروهای چپ آمریکای لاتین است. این پیروزی نشان داد که با همه فشار راست و کمک های امپریالیستی مردم فرودست همچنان از رادیکالیسم در جامعه خود حمایت می کنند.

سال گذشته شاهد کودتایی در میانمار (برمه سابق) که توسط ارتش و پائین کشیدن سان سوچی رئیس دولت توسط ارتش بودیم. در پی این کودتا تظاهرات متعددی در میانمار علیه آن صورت گرفت که تا به حال نزدیک به شش صد نفر کشته شده اند. گفته می شود که رقابت های شدیدی بین غریبهها و هندی ها به ظاهر در دفاع از مردم از یک طرف و روسها و چینی ها در دفاع از ارتش از طرف دیگر در جریان است.

سال گذشته همچنان شاهد رشد بودجه های نظامی بودیم. آمریکا و چین بیشترین رشد را داشتند و کشورهای دیگر هند، عربستان و اسرائیل و... در ردیف های بعدی بودند. به غیر از چین که سال گذشته کمترین بحران اقتصادی را پشت سر گذاشت و در مدت کوتاهی توانست ویروس کرونا را کنترل کند بقیه کشورها با اینکه دارای رشد اقتصادی بسیار ضعیف و یا منفی بودند ولی بعلت رقابت های شدید نظامی بودجه های نظامی خود را افزایش دادند. در عین حال کاهش بودجه های پزشکی و یا عدم تخصیص بودجه



های کافی برای مبارزه علیه کرونا باعث تظاهرات بزرگ و کوچکی در اقصا نقاط دنیا شد.

در سال گذشته مذاکرات بر سر جدایی انگلستان از اتحادیه اروپا به پایان رسید و انگلستان از اتحادیه اروپا جدا شد. جدایی انگلستان از یک طرف دست انگلستان را برای قرار دادها با دیگر کشورها آزادتر گذاشت و از طرف دیگر باعث محدودیت هایی در روابط فی مابین با اتحادیه اروپا شد. در واقع آمریکا از این واقعه منافع قابل توجهی در مقابله با اروپا دارد.

از دیگر تحولات سال گذشته جنگ خونین بین آذربایجان و ارمنستان بر سر اختلافات ارضی بود که به کشته شدن صدها نفر نظامی از طرفین و بی خانمانی و آواره گی هزاران نفر انجامید. با پا در میانی روسیه قرارداد جدیدی بسته شد. ترکیه تنها کشوری بود که در این جنگ خود را جانبدار دانسته و از آذربایجان به دفاع برخاست. تحریک نیروهای خارجی در شدت گرفتن اختلافات طرفین نشان از دخالت های مستقیم و غیر مستقیم نیروهای امپریالیستی در جنگ افروزی های منطقه ای دارد. ایران اعلام کرد که در این جنگ بیطرف است ولی اخباری مبنی بر رساندن اسلحه و کمک به طرف ارمنی و در عین حال موضع دفاعی به جانب طرف آذری هم در رسانه بصورت وسیعی پخش شد.

جنگ در یمن که یکی از فجایع انسانی علیه کودکان و مردم بی دفاع در آن بکرات بویژه توسط عربستان انجام گرفته، ادامه یافت. سازمان ملل همچنان به محکوم کردن ها ادامه داد ولی عملا هنوز پایداری بر این جنگ متصور نیست و جنایت علیه مردم و آواره، بی خانمان کردن و نابودی زیر ساخت های جامعه یمن ادامه دارد. عربستان با بمباران دائمی حتی دبستان ها هیچ کجای یمن را از آسیب جنگ بی نصیب نگذاشته است. در واقع این جنگ فقط یک کشمکش منطقه ای نبوده و بر سر تسلط بر خلیج یمن و باب المندب یکی از شاهراه های بزرگ دریایی اقتصادی جهان نیز میباشد.

بطور خلاصه جنگ و درگیری در نقاط مختلف جهان به درجات کم و زیادی ادامه داشت و به بی خانمانی و آواره گی و پناهندگی میلیون ها نفر از مردم جهان انجامید. در عین حال چندین کمپ مهم پناهندگی طعمه آتش سوزی های مهیب و ویرانی آنها شد.

جهان سرمایه داری از هر طرف انسان زحمتکش جهان کنونی را به زیر فشار کار و

و فشار باعث شده است که امیدهای تازه ای در بین سیاستمداران ایران در جهت باز شدن درهای اقتصادی به طرف غرب، بوجود بیاید. قرارداد ایران چین که جدیدا بسته شد. دست ایران را برای چانه زنی در این دور تازه مذاکرات باز گذاشته است.

کشمکش های آمریکا با چین در دریای جنوبی و شرقی چین ادامه داشت و تایوان قرارداد تحویل سلاح های تازه ای از آمریکا را، بست. تظاهرات در هنگ کنگ، بعد از مدتی قدم به قدم به طرف بازگشت جامعه به طرف آرامش رفت

در روسیه تظاهراتی علیه پوتین و به نفع ناوانلی یکی از معترضین روی داد. نکته اصلی اعتراضی بر سر مسئله اصلاح قانون ریاست جمهوری و دادن این امکان به پوتین که تا دو دوره دیگر در سمت ریاست جمهوری باقی بماند، است که از طرف غرب پشتیبانی می شود.

در ایران همچون دیگر کشورهای جهان کرونا با پایان دور سوم هم رسید و بر اساس آمار دولتی درگذشتگان ناشی از کرونا به بیش از ۶۷ هزار نفر رسید. وضعیت جامعه و آلودگی به آن در چندین دور گذشته همگانی شد. بسیاری از شهرهای ایران به قرنطینه های موقت رفتند ولی به علت سیاست های نادرست و سوء مدیریت اداری و برنامه ریزی های نادرست کلان در سطح کل کشور، دولت قادر به کنترل آن نشده است. هزاران خانواده داغدار و مصیبت دیده بجای گذاشته است. با تمام این احوال این شرایط نتوانست که باعث خاموشی اعتراضات کارگران، بازنشستگان، پرستاران، معلمان، دانشجویان شود. در این اعتراضات صدها نفر از فعالین این جنبش ها همچنان در زندان های رژیم اسلامی شجاعانه و مصمم برای آزادی و عدالت اجتماعی ایستاده اند. سپیده قلیان، آتنا دائمی، از جمله آنان هستند.

رژیم جمهوری اسلامی سعی کرد با به دادگاه کشیدن فعالین و دستگیر شدگان اعتصابات هفت تپه و پتروشیمی فشار حداکثری بر کارگران ایران را ادامه دهد. اخراج بی دلیل و با اتهامات واهی امنیتی، توهین به مقامات رهبری و بستن دهان حق طلبان، فشار اقتصادی از طریق بستن حساب های بانکی و حتی تلفنی و اینترنتی، هجوم به منازل آنها و متقابلا افشاکاری فعالین در بند در دادگاهها و حمایت های مردم و روشنفکران جامعه از آنان سیاست های رژیم اسلامی را علیه کارگران و دیگر جنبش های اجتماعی با شکست روبرو

گرانی و دربدری و آوارگی و نا امنی و جنگ کشیده است. سیستم سرمایه داری حتی در بزرگترین کشورهايش در حال از بین بردن خدمات اجتماعی، بالا بردن سن بازنشستگی و تحمیل گرانی و خالی کردن جیب مردم از پس اندازهایشان تا ریاال آخر است. در سالی که گذشت با اینکه به علت کرونا اکثر جوامع در رکود اقتصادی و تعطیل و یا کم تحرکی اقتصاد های کوچک و متوسط بودند و درآمدهای مزدبگیران پائین جامعه کاهش یافته بود ولی ناگهان بورژوازی تقریبا تمامی کشورها با گرم کردن تنور معاملات در بخش خانه سازی و ساختمان سازی به گران شدن دور از انتظار خانه دست زد و با دادن وام ها با بهره کم سعی کرد که رونقی در تجارت و گردش پول و سرمایه بوجود بیاورد. رونقی که به قرضدار تر شدن مردم به بانک ها و پرداخت بهره ها که براساس کارشناسان مالی در سال های آینده بالا خواهد رفت، می انجامد. همانطور که در کرونا و بحران اقتصادی وضع اکثر مردم جهان بدتر شد، با تولید واکسن و باز شدن درهای اقتصادی و مرزها باز هم این مردم و مزدبگیران دون پایه هستند که از آن ضرر خواهند کرد.

از دیگر حوادث و رویدادهای سال گذشته کشته شدن فخری زاده یکی از طراحان برنامه های موشکی و هسته ای بود که ایران آنرا به عوامل اسرائیل و آمریکا نسبت داد ولی در اطلاع رسانی سناریوهای مختلفی را برای کشته شدن فخری زاده مطرح کرد که می توان این مسئله را از فریب اطلاعاتی تا سر درگمی و ضربه خوردن های اطلاعاتی از نیروی های رقیب و سازمان های جاسوسی خارجی دید. این مسئله همچون کشته شدن قاسم سلیمانی به بحران بیشتر روابط ایران و آمریکا انجامید و فضای جنگی بار دیگر منطقه را برای مدتی کوتاه پر کرد. ضربه های مقطعی نیابتی بین متخاصمین منطقه ای جریان داشت از یک طرف به سفارت و پایگاههای آمریکا حملات متعددی انجام گرفت و در برابر آمریکا هم به حملات هوایی علیه نیروهای حشدالشعبی و طرفدار ایران در منطقه و سوریه دست زد. بعد از انتخابات آمریکا و سیاست بازگشت به برجام رئیس جمهوری جدید آمریکا جو بایدن، دور مذاکرات جدیدی شروع شده است. بایدن سعی دارد که مناسبات تیره ای که ترامپ در رابطه با اروپا بوجود آورده بود از بین برده و آنرا مجددا به دوره اوباما باز گرداند. سیاست دولت جدید با تجربه ترامپ و شکست فشار حداکثری بر ایران و نفوذ از طریق دیپلماسی

ویرانی محیط زیست نتیجه عملکرد سرمایه داری است



کرد.

بحران بیکاری و گرانی و فقر روزافزون که باعث رشد کارهای تجاری از جمله کولبری در کردستان و سوخت ببری در بلوچستان شده است. در طی سال گذشته ما شاهد کشته شدن بسیاری از کولبران و سوختبران توسط نیروهای انتظامی جمهوری اسلامی بودیم. در اعتراض به عملکرد وحشیانه رژیم اسلامی در کردستان و بلوچستان تحصن های متعددی در گذشته شکل گرفته است ولی این بار کشته شدن تعدادی از سوختبران باعث خشم مردم سراوان و حمله آنها به اماکن دولتی و اشغال برخی از آنها شد.

سال گذشته روند فاصله طبقاتی در تمامی جهان تشدید شد. در اکثر کشورهای جهان دولت ها بیشتر به طرف راست چرخیدند و سیاست های ضد کارگری و محدود کردن اتحادیه های کارگری و قوانین اعتصابات و تظاهرات را به نفع پلیس سخت تر کردند. دستگیری های بدون مجوز از دادگاهها با تبصره های مختلف به قانون تبدیل شد و دست پلیس را برای سرکوب بازتر کرد.

محیط زیست طبیعی نسبت به سال های قبل از طریق مواد شیمیائی تولید شده توسط سرمایه داری، آلوده تر و بسیاری از گونه های حیوانی و گیاهی در آن بعلت آتش سوزی، سیل و توفان ها از بین رفتند. سرمایه داری با حرص و ولع بیشتر تولید و سود دست به استخراج منابع زیرزمینی و استفاده افراطی از نیروی کار و منابع طبیعی نمود. افزایش روزافزون جمعیت در برخی کشورها نیز به تنگتر شدن فضای سبز و محیط طبیعی ضربات جبران ناپذیری وارد کرده است. که با سیستم های کنونی جهان طبقاتی هر روز به طرف ویرانی بیشتر می رود.

انتخابات آمریکا بر سیاست های تاکتیکی دولت آمریکا بر روی برجام تاثیر قابل ملاحظه ای داشت. آمریکا اعلام کرد که آمادگی بازگشت به برجام را دارد ولی رژیم جمهوری اسلامی بایستی به مفاد برجام بازگشته و آنرا اجرایی کند، در برابر ایران خواهان لغو تمامی تحریم های اعمال شده بعد از امضای برجام توسط آمریکا و دیگر طرف های مربوطه است. مذاکرات علنی و مخفی در راستای رسیدن به توافقات ادامه دارد. به نظر می رسد برجام همچون ویروس کرونا در سایه روشن هایی خواهد ماند و کشمکش های ایران و غرب بصورت مختلف ادامه خواهد یافت. آنچه روشن است دولت آمریکا سیاست کمک به بقای دولت های

اسلامی مخالف و مطیع کردن آنها را در قامت دولت بایدن همراه با غرب ادامه خواهد داد. در سال گذشته در اکثر کشورهای جهان ما شاهد تظاهرات و اعتصابات متعددی در زمینه های مختلف اقتصادی، سیاسی، محیط زیست، زنان و.... بودیم. آنچه که از همه این اعتصابات و تحرکات اعتراضی اجتماعی منتج می شود، نفی سیستم های حاکم موجود و مبارزه با پی آمدهای سرمایه داری در عرصه های مختلف بودند. جهان در سال گذشته "نه بزرگی به سیستم ناکارآمد و استثمارگر سرمایه داری گفت. جواب سرمایه داری سرکوب و در عدم توان سرکوب اصلاحات سرهم بندی شده بود. ولی اکثریت قریب به اتفاق مردم جهان خواهان تغییر بنیادی جهان کنونی با دنیای آزاد و برابر انسانی و بدون استثمار و ستم گری است.

مهران پیامی

۱۴۰۰/۱/۱۲

لنین = اول ماه می



لنین: رفقای کارگر! اول ماه مه در راه است، روزی که کارگران تمامی سرزمین ها، باز شدن چشمانشان را به سوی یک زندگی آگاهانه، همبستگی شان را در مبارزه علیه تمامی اشکال اجبار و اضطراب و ستم انسان به دست انسان، یعنی مبارزه برای رها ساختن میلیون ها زحمتکش از گرسنگی، فقر و حقارت را جشن می گیرند. در این پیکار ستیج، دو جهان چهره به چهره یک دیگر می ایستند: جهان سرمایه و جهان کار؛ جهان استثمار و بردگی، و جهان برادری و برابری.

در یک سو، مشتی ثروتمند خون آشام قرار دارند. آن ها هستند که کارخانجات و مراکز تولیدی، ابزارها و ماشین آلات را تصرف و میلیون ها جریب زمین و کوههایی از پول را تحت مالکیت خصوصی خود درآورده اند. آن ها حکومت و ارتش را به خدمتگزاران، سگ

های پاسبان باوفای ثروت انباشته خود مبدل کرده اند.

در سوی دیگر، میلیون ها نفر از محرومان جای دارند. کسانی که مجبورند به مشتی نو کیسه پولدار التماس کنند تا به آن ها اجازه کار کردن بدهند. با کار آنهاست که این افراد تمام ثروت ها را خلق می کنند؛ با این حال خودشان باید در تمام طول زندگی برای خرده ای نان مبارزه کنند؛ برای کار التماس کنند، تو گویی صدقه می خواهند؛ نیرو و سلامت خود را با زحمات کمر شکن تحلیل ببرند، و در آلودگی های محقر روستایی یا اتاق های زیر شیروانی و انبارهای زیرزمین در شهرهای بزرگ، از گرسنگی جان دهند.

اما اکنون این زحمتکشان محروم به نوکیسگان پولدار و استثمارگران، اعلام جنگ نموده اند. کارگران تمامی کشورها در حال مبارزه برای آزاد ساختن کار از بردگی مزدی، از فقر و احتیاج هستند. آن ها مشغول مبارزه برای نظامی از جامعه هستند که در آن ثروت حاصل از کار مشترک، نه مشتی ثروتمند، که هر آن کس را که کار می کند، منتفع می سازد. آن ها می خواهند که زمین و کارخانجات، مراکز تولیدی و ماشین آلات را تحت مالکیت مشترک تمامی زحمتکشان درآورند. خواهان آنند که به شکاف میان فقیر و غنی پایان دهند، ثمرات کار را به خود کارگران برسانند؛ تمامی دستاوردهای فکری بشر و تمامی بهبودهای روش های کار را در خدمت بهبود سرنوشت کسی قرار دهند که کار می کند، و نه این که آن را به ابزار ستم بر وی تبدیل کنند.

پیکار عظیم کار علیه سرمایه، به بهای فداکاری های عظیم کارگران صورت گرفته است. آن ها بهای حق برخورداری از یک زندگی بهتر و آزادی واقعی را با جوی هایی از خون خود پرداخته اند. آنانی که در راه آرمان طبقه کارگر مبارزه می کنند، مورد اذیت و آزارهای بیشمار حکومت ها قرار می گیرند. اما با وجود تمامی آزار و اذیت ها، همبستگی کارگران جهان، رو به رشد و قوام گرفتن است. کارگران هر چه بیشتر در احزاب سوسیالیست متحد می شوند؛ هواداران این احزاب که در حال رسیدن به میلیون ها نفر هستند، به طور پیوسته و گام به گام به سوی پیروزی کامل بر طبقه استثمارگران سرمایه دار پیش می روند.

پرولتاریای روسیه نیز چشم به زندگی نوینی گشوده است. او نیز به این پیکار عظیم پیوسته. آن روزهایی که کارگر ما مطیعانه بردگی می کرد، آن روزهایی که نه مفز برای گریز از وضعیت اسارت بارش می دید و نه



کردن حقوق آن‌ها و تبدیل آن‌ها به ابزاری صرف در دستان بورژوازی، در نطفه خفه کند. رفقای کارگر! پس بگذارید که ما با انرژی مضاعف برای نبرد تعیین کننده ای که در شرف وقوع است، آماده شویم! بگذارید که صفوف پرولترهای سوسیال دمکرات هر چه منسجم تر به هم نزدیک شوند! بگذارید پیامشان هرچه وسیع تر گسترش یابد! بگذارید فعالیت برای مطالبات کارگران هر چه متهورانه تر انجام شود! بگذارید که جشن اول ماه هزاران مبارز جدید را به سوی آرمان ما جلب کند و نیروهای ما را در نبرد عظیم برای آزادی تمام مردم، برای رهایی تمام زحمتکش از یوغ سرمایه، افزون نماید!

زنده باد هشت ساعت کار در روز!

زنده باد سوسیال دمکراسی انقلابی بین المللی!
سرنگون باد حکومت مطلقه جنایتکار و غارتگر تزار!

اول ماه مه ۱۹۰۴

ولادیمیر ایلیانوف لنین آوریل

قرارداد ایران و چین... بقیه از صفحه آخر

فراهم خواهد کرد. در عین حال عملی شدن موضوعات این سند، دست رژیم جمهوری اسلامی را در گفتگو بر سر برجام و در خواست هایش بازتر خواهد کرد.

آنچه که تجربه قبلی اردوگاه سوسیالیست بعد از جنگ دوم جهانی در تغذیه کشورهای اروپای شرقی و وابسته شدن آنها به روسیه و ورشکستگی اقتصادی بیشتر آنها بود امروز مورد بازنگری طرف های شرقی برای بالا بردن توان های اقتصادی محورهای نزدیک به خود در جهت مقابله با تهاجم های اقتصادی و نظامی غرب قرار گرفته است. در نتیجه قراردادهای چین در اکثر کشورهای جهان سوم و یا پیرامونی دارای یک چنین خصلت هایی است. در حقیقت با یک تیر این قرار داد چند نشان را هدف قرار داده است. دادن مسئولیت به کشورهای کوچکتر برای مقابله با رقبای غربی، در محور قرار دادن این اقتصادها در رشد و پیوستگی به اقتصاد بزرگتر، در واقع شبیه کاری که آمریکا با کشورهای اروپای غربی بعد از جنگ دوم جهانی انجام داد.

باز گرداندن سیستم های اقتصادی و بویژه نظامی در کشورها از غرب به شرق و بعکس بسیار زمان بر است در عین حال دارای نتایج سیاسی مرتبط با خود را به همراه دارد. نگرانی

به مراتب قاطعانه تری، نهایت تلاش خود را به کار بندیم. جنگ حتی عقب مانده ترین بخش های پرولتاریا را هم وادار کرده است تا به مسائل و امور سیاسی علاقه نشان دهند. جنگ با وضوح و روشنی بیشتری درحال به نمایش گذاشتن گنبدگی تمام و کمال نظم حکومت مطلقه، جنایتکاری تام و تمام پلیس و باند دستگاه قضایی حاکم بر روسیه است. مردم ما از احتیاج و گرسنگی در داخل رو به مرگ هستند- درحالی که خود به جنگی ویرانگر و بی معنا برای قلمروهایی بیگانه کشانده شده اند که فرسنگ ها از این جا دورند و اقوام خارجی در آن سکن گزیده اند.* مردم ما در بردگی سیاسی، مغلوب هستند- درحالی که خود به جنگ برای به بردگی کشاندن سایر مردم کشیده شده اند. مردم ما خواهان تغییر نظم سیاسی در داخل هستند- اما تلاش می شود که با غرض تفنگ ها در آن سوی دنیا، توجه آن ها منحرف گردد. ولی حکومت تزار در این قمار خود، در بر باد دادن جنایتکارانه ثروت ملت و مردان جوانی که به سواحل اقیانوس آرام فرستاد تا بمیرند، بیش از حد پیش رفته است. هر جنگی به مردم فشار می آورد، و جنگ دشوار علیه ژاپن با فرهنگ و آزاد، فشاری دهشتناک بر کرده روسیه است. این فشار در زمانی وارد می آید که ساختار استبداد پلیسی، تاکنون زیر ضربات پرولتاریای بیدار و هوشیار، تلوتلو خوردن های خود را آغاز کرده است. جنگ درحال عریان کردن تمامی نقاط ضعف حکومت است، جنگ درحال دریدن تمامی لباس های مبدل دروغین است، جنگ در حال افشای کل گنبدگی داخلی است؛ جنگ در حال افشای مضحکه حکومت مطلقه تزار در پیش روی همگان است؛ جنگ آخرین جان کندن های روسیه کهن را به همه نشان می دهد، روسیه ای که مردم آن نادان، سر به زیر و فاقد حق رأی هستند؛ روسیه ای که هنوز هم در آن سرف در اسارت حکومت پلیسی قرار دارد.

روسیه کهن در حال احتضار است. روسیه ای آزاد در راه است که جای آن را بگیرد. نیروهای سیاهی که از حکومت مطلقه تزار پاسبانی می کردند، در حال غرق شدن هستند. اما تنها پرولتاریای سازمان یافته و برخوردار از آگاهی طبقاتی قادر است که ضربه مرگ بار را به آنان وارد سازد. تنها پرولتاریای سازمان یافته و برخوردار از آگاهی طبقاتی می تواند آزادی حقیقی و نه ساختگی را برای مردم به ارمغان بیاورد. تنها پرولتاریای سازمان یافته و برخوردار از آگاهی طبقاتی است که می تواند هرگونه تلاش را برای فریفتن مردم، محدود

کورسوی امیدی در زندگی تلخ خود داشت، سپری شده است. سوسیالیزم راه برون رفت را به او نشان داده، و هزاران هزار مبارز به زیر پرچم سرخ، این ستاره راهنمای مسیر، گرد آمده اند. اعتصاب ها، قدرت اتحاد را به کارگران نشان داده اند؛ به آن ها آموخته اند که حمله را با حمله پاسخ دهند؛ به آن ها نشان داده اند که کارگر سازمان یافته تا چه حد می تواند برای سرمایه هراس انگیز باشد. کارگران دریافته اند که از قبل کار آنهاست که سرمایه داران و حکومت، زنده اند و فربه می شوند. کارگران با روح مبارزه متحدانه، با آرزوی آزادی و سوسیالیزم برانگیخته شده اند. کارگران دریافته اند که حکومت مطلقه تزار چه نیروی اهریمنی و سیاهی است. کارگران برای مبارزه خود نیازمند آزادی هستند، ولی حکومت تزار دست و پای آنان را می بندد. کارگران به آزادی اجتماع، آزادی تشکل، آزادی مطبوعات و کتاب نیاز دارند، اما حکومت تزاری هرگونه کوشش برای آزادی را با تازیانه، زندان و سرنیزه، درهم می شکند. فریاد «مرگ بر حکومت مطلقه!» طول و عرض روسیه را در نور دیده، بیش از پیش در عموماً خیابان ها، گردهمایی های وسیع توده ای کارگران، به گوش رسیده است. تابستان سال پیش، ده ها هزار نفر از کارگران در سرتاسر جنوب روسیه برای یک زندگی بهتر، برای آزادی از سلطه پلیسی، به مبارزه برخاستند. بورژوازی و حکومت با مشاهده ارتش مهیب کارگران که با یک ضربه، کل حیات اقتصادی شهرهای بزرگ را به وقفه درآورده بود، به خود لرزید. بسیاری از مبارزین راه آرمان طبقه کارگر، در مقابل گلوله سربازانی که تزاریزم علیه دشمن داخلی گسیل داشته بود، به خاک افتادند.

اما نیرویی نیست که قادر به درهم شکستن این دشمن داخلی باشد، چرا که طبقات حاکم و حکومت، تنها با نیروی کار آن زنده هستند. نیرویی بر روی زمین نیست که بتواند میلیون ها کارگری را که بیش از پیش به آگاهی طبقاتی دست می یابند، متحد می شوند و سازمان می یابند، درهم بشکنند. هر شکستی که کارگران متحمل می شوند، مبارزین جدیدی را برای صفوف مبارزه به ارمغان می آورد، چشم توده های وسیع تری را به یک زندگی جدید بازمی کند و آن ها را برای مبارزات تازه آماده می سازد.

سیر رویدادهایی که روسیه دارد طی می کند، به گونه ای است که این بیداری توده های کارگر، به طور قطع سریع تر و گسترده تر خواهد بود، و ما باید برای متحد ساختن صفوف پرولتاریا و آماده کردن آن برای مبارزه

سرنگون باد رژیم ضد کارگر جمهوری اسلامی ایران



جهت دسترسی آگاهانه به تصمیمات و اهداف آن می باشد. دیپلماسی سری بایستی متوقف شود. این را رژیم جمهوری اسلامی در برجام هم علنی نکرد و برخی از مفاد برجام هنوز هم علنی نیست. فشار برای جوابگو کردن رژیم اسلامی در ارتباط با این قرار داد باعث تظاهرات متعددی در سراسر ایران شده است. گفته های جناح احمدی نژاد در ارتباط با به دست گرفتن انتقاد از این قرارداد و اعتراض به سری بودن آن هیچ قرابتی با خواست مردم ندارد احمدی نژادها و سلطنت طلب ها در طول تاریخشان همیشه از دیپلماسی مخفی و بی اطلاع گذاشتن مردم از حقایق درونی قدرت بهره برده اند اما اینک فریبانه خواهان بدست گرفتن پرچم مبارزه بخاطر دیپلماسی علنی هستند. ما با هیچ قرار داد سری و غیر علنی موافق نبوده و آنها را به ضرر مردم و منافع عمومی می دانیم. شفاف سازی در سیاست گذاری ها و تصمیمات بایستی از طریق ایجاد یک سیستم کنترل از پائین انجام شود و این سیستم اجتماعی هیچ چیزی به جزء شوراها کارگران و زحمتکشان نیست که با وجود رژیم جمهوری اسلامی در ایران همیشه زیر سرکوب بوده است.

ع.غ

بیانیه مشترک... بقیه از صفحه آخر

واگذاری تامین واکسن به بخش خصوصی در این راستا است. این مساله به نوبه خود، بخش های وسیعی از جمعیت، به ویژه اقشار متوسط جامعه را در فقر روزافزونی گرفتار کرده و تعداد هر دم فزاینده ای از آنان را حاشیه نشین کرده است. در این میان وضع زنان کارگر و زحمت کش، از همه اسف بارتر است. بنا بر آمارهای موجود، در ادامه موج افزایش بیکاری ها و اخراج ها، به بهانه پاندمی کرونا، ۷۰ درصد زنان کارگر اخراج و از کار بیکار شده اند.

در بحث معیشت نیز، این بی ثباتی و روند فقیرسازی سیستماتیک مزدبگیران، با تبعیض حداکثری، بیش از همه، خود را در وضعیت معیشتی زنان نمایان کرده است که حق اشتغال پایین، قرار گرفتن در صف نخست اخراج و بیکارسازی و منزوی شدن زنان کارگر، از تبعات آن بوده، که به نوبه خود، زخم

و میل بودجه های دولتی را رشد و گسترش داد.

روشن است که یکی از دلایل تهیه این سند آنست که دولت ایران در زیر فشار غرب و برای فرار از تحریم های اقتصادی و تحکیم خود، این قرار داد را امضاء کرده است ولی با تمام این احوال غرب برای ادامه فشار از یک طرف و مذاکره از طرف دیگر تبلیغات دو گانه ای را جلو می برد. بطور مثال وقتی قرارداد توتال که یک شرکت نفتی فرانسه است با ایران بسته شد هیچیک از طرف های غربی بخاطر ناعادلانه بودن آن صدایشان در نیامد ولی این بار در قرار داد چین تبلیغات کر کننده ای علیه آن براه انداخته اند. اما جدا از تبلیغات جانبدارانه غرب علیه این قرار داد، محتوی بندهای آن نشان میدهد که ایران عمدتاً وارد کننده سرمایه، کالا ساخته شده، فناوری و تکنولوژی و ایران فروشنده منابع طبیعی است. روشن است که برخی از کالاها متعلق به صنایع زیر ساختی و پایه ای است ولی حتی این کالاها هم بعلت به روز شدن دائمی شان وابستگی اقتصادی را برای نوسازی اقتصادی تشدید می کند. در برخورد به این قرارداد محک خوب یا بد بودن چین به عنوان طرف مقابل اصل مسئله نیست. ما بایستی اولاً مفاد قرارداد را بررسی کنیم ثانیاً نحوه تعامل جمهوری اسلامی با پی آمدها و نقاط مثبت و منفی و چگونگی بکاربرد سودهای حاصله از آن. آیا نتایج این قرارداد صرف گنبد و بارگاه ساختن برای امامان شیعه در عراق و رفتارهایی از این دست خواهد شد. یا صرف آبادی و براه انداختن چرخه های تولید افزایش حقوق مزدبگیران دون پایه و کارگران و... تجربه نشان از سرکوب بیشتر در داخل بسط بوروکراسی دولتی و دخالت در خاورمیانه دارد.

این سند هوشیاری چپ را بیش از گذشته نشان داد که با جمع بندی از گذشته موضوعاتی از این دست را به تحلیل بررسی مشخص و نه موضع گیری صرف می رساند. می گویند بدون تحقیق و بررسی حق صحبت نیست.

تجربه گذشته در برخورد به این نوع قراردادها نشان می دهد که قبل از اینکه از موضع گیری علیه این و یا آن جانب قرارداد صحبت کنیم بایستی بندها و مفاد آنرا مورد بررسی قرار داد و نتایج عملی و عینی آنرا ارزیابی کرد تا به ذهنی گیری ناشی از تبلیغات طرف های مخالف و موافق قرار نگرفت. به همین دلیل خواست علنی کردن کامل این قرار داد از رژیم جمهوری اسلامی یک خواست محقانه مردم

کشورهای غربی از ناتو تا آمریکا و دیگران از این قرار داد تغییر سیستم های اقتصادی و نظامی به لحاظ شکلی و تکنیکی است. بطور مثال وقتی ایران در جنگ ایران و عراق از سیستم هوایی آمریکایی بهره می گرفت با مشکلات سیاسی که بین ایران و آمریکا پیش آمد مسئله قطعات یدکی و تعمیرات و غیره باعث تقریباً ضعیف شدن نیروی هوایی ایران در حد بالای ۵۰ درصد بود. ایران دارای آن توان تکنیکی و آموزشی برای بازسازی طولانی مدت آن نبود به همین دلیل در بعد از جنگ یا به سیستم هوایی و راداری روسها و چینی ها و آلمانی ها روی آورد و یا سعی کرد با مهندسی معکوس آنها را در داخل بسازد که بسیار پر هزینه بود. نتیجه یک چنین سیاستی احتمال بستن یا تجدید قراردادهای هوایی با آمریکا را تا آینده ای دور تقریباً اگر نگوئیم غیر ممکن دور از امکان کرده است.

با توجه به شرایط مشخص بین المللی بستن قراردادهای اقتصادی و... با کشورهای سرمایه داری به خودی خود خوب یا بد نیست. بایستی به منافع متقابل و یا زیان های باخت و برد آن توجه کرد. هیچ کشوری در دنیای کنونی نمی تواند بدون رابطه با دولت های بیرونی اعم از مترقی و مرتجع به زندگی روزمره خود ادامه دهد. از این منظر بستن قرار دادها را باید در رابطه با مسائل و روابط، منافع و مسئولیت هایی را که برای طرفین ایجاد می کند مورد بررسی قرار داد. مشخصاً مفاد این قرارداد در دوبر انتشار یافته یک بار از طریق کمپانی نفتی بریتانیای پترولیوم اکونومیست و یک بار از طرف روزنامه های نزدیک به دولت در ایران. برای نقد و یا دفاع از این قرارداد هم بیشتر منبع کمپانی نفتی پترولیوم اکونومیست مورد نظر قرار گرفته است

بر طبق اخبار منتشر شده قرار است چین ۴۰۰ میلیارد دلار در ۲۵ سال آینده در ساختارهای عمدتاً زیر بنایی اقتصاد ایران سرمایه گذاری کند. از یک طرف این پولی است که می تواند اقتصاد ایران را با مدیریت صحیح رشد دهد از طرف دیگر تجربه رژیم ایران در زمانی که پول نفت به بشکه ای بالای ۱۰۰ دلار رسید و درآمد ایران در مدت ریاست جمهوری احمدی نژاد بیش از ۱۰۰ میلیارد دلار بود، نشان می دهد که بعلت فساد بخش خصوصی و دولتی کاملاً عملکردی منفی و مخرب در اقتصاد ایران بازی کرد و این در آمد هنگفت، رانت خواری و فسادهای مالی و زد و بندهای دولتی و حیف



بزرگ دیگری را بر پیکر طبقه کارگر ایران وارد کرده است.

در این میان وضع زنان کارگر خانگی که ممر درآمد خود را از دست داده‌اند از همه بدتر می‌باشد. هم تبعیض جنسیتی و هم بیکاری و ورشکستگی، فشار مضاعفی را بر این بخش از نیروی کار ایران وارد کرده است.

با این همه کارگران ایران و متحدانش در سال گذشته، مبارزه خستگی‌ناپذیر و پیگیری را در شرایطی که توازن قوا حاکم به نفعشان نبوده و فعالین کارگری و دیگر جنبش‌های اجتماعی زیر سرکوب چند لایه و نظام‌مندی قرار داشتند، به پیش برده‌اند.

کارگران و حقوق بگیران در بخش‌های مختلف اقتصاد از صنعت بزرگ همچون پتروشیمی، هپکو، آذراب، نیشکر هفت‌تپه، شرکت واحد اتوبوسرانی تهران، فولاد خوزستان و... تا معلمان، بازنشستگان، دانشجویان و زنان به اشکال و طرق مختلف مبارزات خود را به پیش برده و مخالفت خود را با سیاست‌های خشن و نئولیبرالی دولت و حاکمیت نشان داده‌اند که در این میان می‌توان بطور ویژه از مبارزات خستگی‌ناپذیر کارگران هفت‌تپه یاد کرد که مسائل مهم و پایه‌ای چون خصوصی سازی، اختلاس‌های بزرگ سهامداران و صاحبان اصلی هفت‌تپه را در سطح جامعه مطرح کرده و در مقابل، از نقش کارگر در تصمیم گیری‌ها و اداره شورائی سخن گفته‌اند.

مبارزاتی که از جانب هم طبقه‌ای‌های آنان در اقصی نقاط جهان مورد حمایت قرار گرفته است. تا آن جا که بارها شاهد بیانیه‌ها و کمپین‌های حمایتی از جانب کارگران، سندیکاها و اتحادیه‌های بزرگ کارگری در نقاط دور و نزدیک جهان بوده‌ایم.

در برابر این همبستگی‌های ملی و بین‌المللی، گرایش‌های طرفدار سرمایه‌داری، انواع و اقسام طرح‌ها و آلت‌ناتیوهای خروج از بحران را یکی بعد از دیگری پیشنهاد کرده و می‌کنند. هر روز ترفندی تازه ارائه می‌شود. اما کارگران ایران به تجربه دریافته‌اند که:

- راه چاره این مشکلات و رهایی از این وضعیت نمی‌تواند از جانب کسانی که خود در ایجاد آنها نقش اصلی را تحت این یا آن نام ایفا کرده و می‌کنند مطرح شود. کارگران دیگر فریب دروغ‌ها و از جمله وعده و وعیده‌های انتخاباتی را که هر چند سال یک بار تکرار می‌شود نمی‌خورند.

- راه چاره، همچنین از دل‌بستق به قدرت‌های بزرگ جهانی (از هر رنگ و قماش که

باشند) و سیاست‌بازی میان آن‌ها نیز به دست نمی‌آید. چنین دل‌بستگی‌هایی به قدرت‌هایی در جغرافیای سیاسی، چه جهانی و چه منطقه‌ای، در واقع گروگذاری و بخشیدن پیشاپیش دسترنج توده‌های زحمتکش و جاده صاف‌کنی برای سلطه‌گران جهت بهره‌برداری از منابع کشور و همین‌طور نفوذ تعیین کننده بیگانگان در تصمیم گیری‌های کلان اقتصادی، سیاسی و سوق‌الجیشی است.

مسأله قدرت‌های سلطه‌گر جهانی، هیچگاه حفاظت از منافع طبقه کارگر و توده‌های زحمت‌کش در هیچ نقطه از جهان نبوده و نیست. راه چاره در ایران، مانند مبارزه طبقاتی در دیگر نقاط جهان، تنها از اتحاد و همبستگی طبقاتی میان خود کارگران و پیوند و همکاری مبارزاتی آن‌ها با دیگر زحمت‌کشان شهر و روستا حاصل می‌شود.

کارگران و حقوق بگیران ایران بایستی با تشکیل و حفظ صفوف مستقل خود، اجازه سوءاستفاده به نیروهای غیرکارگری و طرح‌های فریبکارانه و پرطمطراق آنها، در دفاع از سرمایه‌داری که هیچ نشانی از عدالت اجتماعی و پذیرش نقش کارگران در مدیریت جامعه ندارند را ندهند.

واقعیت این است که ما کارگران در شرایط کنونی با مشکل پراکندگی مواجه هستیم و این مساله خود هشدار است که علی‌رغم ادامه کاری و ازخودگذشتگی در مبارزه و علی‌رغم اعلام همبستگی و همدلی آشکار و واقعی میان فعالان جنبش‌های اجتماعی، بدون یک همکاری جدی و سازمان یافته و سراسری در میان تمامی کارگران و زحمت‌کشان، قادر به مقابله با سیاست‌های ضدکارگری و تغییر شرایط موجود نخواهیم بود.

بارها تجربه کرده‌ایم که چگونه در نبود سازمان‌ها و نمایندگان مستقل کارگری باز هم مساله تعیین حقوق حداقل به مضحکه‌ای تکراری و ملال‌آور تبدیل شده است. در شرایطی که خط فقر برای یک خانوار ایرانی ساکن شهرهای بزرگ، باید حداقل ۱۲ میلیون تومان باشد و حتی تشکیلات وابسته و حکومتی چون خانه کارگر از ۸ تا ۹ میلیون سخن می‌گوید، از پذیرش هزینه سبد خانوار برآورد شده ۸ میلیون و ۲۰۰ هزار تومانی سر باز زد و حتی به ناله‌ها و ضجه‌های نمایندگان تشکیلاتی مورد قبول و وابسته هم توجهی نکرد.

اکنون فقدان تشکیلات درون واحدهای کار و تشکیلات منطقه‌ای و سراسری کارگران با شدتی بیش‌تر از پیش، خود را نمایان ساخته و مبارزه

خستگی‌ناپذیری را برای ایجاد آنها را می‌طلبید. بدون چنین تشکیلات منسجم و سراسری، تأثیرات حضور و مبارزه کارگران خیلی چشم‌گیر نبوده و نتایج کار، حداقلی، بی‌پشتوانه و شکننده خواهد بود.

در شرایط موجود، ایجاد یک شورای همکاری میان بخش‌های مختلف کارگران، کارمندان و مزدبگیران، معلمان، بازنشستگان، زنان، دانشجویان و بیکاران، بیش از پیش ضرورت دارد.

این امر نه وظیفه‌ای در میان وظائف دیگر، بلکه حلقه اصلی کار سازمان‌دهی در جامعه و در بین کارگران و زحمت‌کشان است. بدون هماهنگی و رفتن به سوی ایجاد نهادهای همکاری و سراسری برای هدایت مشترک جنبش‌های مطالباتی، قدرت این حرکات شجاعانه و پیگیر اعتراضی، مطالباتی به هدر می‌رود و راه برای سرکوب آنها هموارتر می‌شود.

تلاش برای همگرایی میان مبارزات پراکنده و گسترش همبستگی این مبارزات در سال پیش‌رو، ضرورتی فوری و حیاتی خواهد بود. اعتصاب، ایجاد تشکیلات آزاد و مستقل کارگری، حق مسلم کارگران ایران است! رهایی کارگران تنها به دست خود کارگران ممکن خواهد شد!

۶ اردیبهشت ۱۴۰۰

- ۱- سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه
- ۲- سندیکای کارگران کشت و صنعت نیشکر هفت‌تپه
- ۳- کانون صنفی فرهنگیان اسلامشهر
- ۴- کانون صنفی فرهنگیان گیلان
- ۵- انجمن صنفی معلمان مریوان-کردستان
- ۶- کانون صنفی فرهنگیان الیگودرز
- ۷- انجمن صنفی معلمان کردستان سقز و زیویه
- ۸- گروه فعالان زنان «بیدارزنی»
- ۹- اتحاد بازنشستگان
- ۱۰- شورای بازنشستگان ایران
- ۱۱- اتحاد سراسری بازنشستگان ایران
- ۱۲- گروه اتحاد بازنشستگان
- ۱۳- کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکیلات کارگری
- ۱۴- کمیته پیگیری ایجاد تشکیلات کارگری
- ۱۵- کانون گفتگوی بازنشستگان تامین اجتماعی



جامعه مریض... بقیه از صفحه آخر

تغییر دهنده دی ان ای، تأیید نشده، با ورود سریع آن به بازار دارو ها براساس دروغ بزرگ و فریب جمعی، شرایط بحرانی را بسیار بدتر کرده است.

طبق سازمان «دفاع از سلامت کودکان» بیش از نیمی از کودکان ایالات متحده از یک یا چند بیماری مزمن رنج می برند. این بیماریها شامل آتیسیم، اختلال در فعالیت بیش از اندازه و کمبود توجه (۳)، آسم، آلرژی، شرایط گسترش بیماری ناشی از آنتی بادی ها یا لنفوسیت های تولید شده علیه موادی که بطور طبیعی در بدن کودکان وجود دارد (۴) و موارد دیگر هستند.

در ۳۰ سال گذشته بروز بیماریهای متعدد در کودکان به طرز چشمگیری رشد کرده است، در حالیکه در گذشته کودکان ایالات متحده اکثراً سالم و طبیعی بودند. اما، دیگر به علت استفاده از فلزات سنگین، مواد کشنده شیمیائی ضد آفت، آب حاوی فلوراید، استفاده از مواد شیمیائی علف گش، داروهای سمی، آلاینده های هوا، مواد افزودنی غیر طبیعی گشوده در غذا، مواد غذایی تهیه شده توسط جی ام او (۵) خطرناک، و اجزاء ترکیبی و سایر سموم محیطی که سلامت و رفاه همه را به خطر می اندازد.

مقصر اصلی دیگر همین واکسن ها هستند. هیچ کدام ایمن نیستند. آنها سلامتی را حفظ نمی کنند. بارها و بارها این واکسن ها باعث بیماریهایی می شوند که قرار است در برابر آنها محافظت کنند. آنها برای سایر داروها مشتری ایجاد می کنند، هر چه بیشتر این واکسن ها استفاده شود، خطر وقوع عوارض جانبی جدی و طول عمر کاهش می یابد. در دهه ۱۹۵۰ ایالات متحده در زمره بالاترین کشورهای بود با طول عمر بالا. امروز، ایالات متحده یکی از پائین ترین در زمره کشورهای پیشرفته می باشد.

در میان کشورهای پیشرفته، ایالات متحده دارای بالاترین نرخ فقر در جهان است و افزایش نابرابری اجتماعی در جهان است.

درست به علت دلایل ذکر شده بالاست که چرا این ویروس لعنتی کشور ثروتمندی مثل آمریکا را در باتلاقی عظیم فرو برده که تا همین اکنون ادامه دارد.

هیچ گاه مثل امروز کودکان در ایالات متحده به این اندازه تحت تأثیر بیماریهای مزمن کنونی قرار نگرفته اند. آنچه که سازمان «

دفاع از سلامت کودکان» آن را بیمار ترین نسل می نامد و می افزاید: «امید به زندگی در حال سقوط است و مرگ و میر نوزادان در حال افزایش است.»

«کودکان در ایالات متحده ۷۶٪ بیشتر از نوزادان در سایر کشورهای ثروتمند قبل از تولد خود می میرند.»

«مطالعه و بررسی که از سال ۲۰۰۱ تا ۲۰۰۴ انجام شده نشان داد که نیمی از جوانان ایالات متحده (۱۳ سال تا ۱۸ سال) دارای حد اقل یک اخلال روانی، عاطفی و / یا رفتاری تشخیص داده شده اند.»

«رهبران ارشد ایالات متحده گزارش می دهند که از هر ۱۰ جوان آمریکائی بین سنین ۱۷ تا ۲۴ سالگی، ۷ نفر به دلیل چاقی، آسم، مشکلات شنوایی، بینایی و بیماری روانی برای خدمت در ارتش ایالات متحده مناسب نیستند.»

بجای تقویت سلامتی به عنوان یک اولویت ملی، شیوع بیماریهای متعدد به بیشتر آمریکائی ها از جمله بیش از نیمی از کودکان این کشور آسیب می رساند.

ثروتمند ترین کشور جهان ناسالم است، روز به روز اوضاع بدتر می شود و بهبود نمی یابد.

در میان کشورهای پیشرفته، آمریکائی ها طول عمر کمتری دارند، بیمار ها و جراحات بیشتری دارند - علی رغم اینکه دو برابر سرانه هزینه شده برای مراقبت های بهداشتی است.

چه سیستمی به عنوان مدل برای جامعه جهانی به منظور رقابت کردن باید باشد که برای اکثر مردم آن ناکار آمد نباشد.

اولویت بیماری نسبت به سلامتی است چون سلامتی برای سرمایه دار سودآور نیست.

در میان کشورهای پیشرفته، ایالات متحده دارای بالاترین سرانه مرگ و میر نوزادان، بیمار های قلبی، سرطان، دیابت، سکته های مغزی، بیماری های تنفسی و سایر بیماریها را دارد.

سالانه میلیونها دارو تجویز می شود که با واکنش مضر و نامطلوب مواجه می شود.

سالانه بیش از ۱۰۰ هزار آمریکائی به دلیل دارو های تجویز شده از جمله واکسن، می میرند.

تلفات فوق به دلیل تزریق انبوه آمپول ها با دارو های مخدر خطر ناک به اصطلاح برای سلامت که به شدت در حال افزایش است.

میلیون ها آمریکائی فاقد بیمه های درمانی هستند. میلیون ها نفر دیگر به علت عدم استطاعت مالی به اندازه کافی تحت پوشش بیمه های درمانی قرار نمی گیرند و در نتیجه عواقب خطرناکی در انتظار آنهاست.

در شرایط کنونی که ۲۵٪ از آمریکائی ها که در سنین کار می باشند و شغل برای امرار معاش ندارند و یا با کم کاری مواجه هستند، در افسردگی بسر می برند به طوریکه زندگی میلیون ها خانوار را با فرسودگی مواجه کرده است.

بجای اینکه مقامات مسئول به منظور بر انگیختن و تهییج کردن از طریق ایجاد شغل و سایر سیاستها برای خاتمه دادن به این شرایط سخت و غیر قابل تحمل برای میلیونها خانوار آمریکائی تلاش کنند، نخبگان سیاست گذار آمریکائی تنها به فکر منافع ممتاز خود که با هزینه بیشتر نیروهای کار و زحمت باید تامین شود هستند. به عنوان مثال، می بینیم که چگونه فردی حریص و طمّاع مثل جف بوزو در این اوضاع پاندمیک ثروت ایشان به یک تریلیون و ۳۰۰ میلیارد دلار رشد کرد. و همین طور سایر کلاه بر داران سرمایه دار در این اوضاع سودهای کلانی به جیب زدند.

به احتمال زیاد بدترین شرایط در پیش است. تا زمانیکه نخبگان سیاست گذار در ایالات متحده بجای توجه به سلامت شهروندان خود به منافع شرکتهای غول پیکر دارو سازی پردازند، به احتمال زیاد بحران بیماریهای مزمن در میان شهروندان بدتر خواهد شد، از جمله برای کودکان این آب و خاک خطرناک خواهد بود.

منبع: استفان لند من، تحقیقات جهان

- 1 - Fight Chronic Diseases.org
- 2 - The American Action Forum
- 3 - Attention deficit hyperactivity disorder (ADHD)
- 4 - Paediatric autoimmune conditions

بجز نوشته های که با امضا
تصریح منتشر مر گردد و
بیانگر نظر است
حزب رنجبر هیچ ایراد مر
باشد
دیگر نوشته ها مندرج در
نشریه رنجبر به امضاها فرد
است و مسئولیت آنها با
نویسندگان است مر باشد.

قرارداد ایران و چین

پشت پرده و دور از دید و آگاهی مردم بسته شود مخالف هستیم و این سند همکاری جامع یکی از آنها است. در عین حال تا بحال روشن شده است که این قرارداد به نفع طرف های غربی بویژه آمریکا نبوده و آنها بشدت علیه آن بصورت مختلف مبارزه تبلیغاتی براه انداخته اند. چین با سرمایه گذاری عظیم در ۲۵ سال آینده این امکان را که دولت جمهوری اسلامی قدرت مقابل با هجوم غرب را به عنوان سپر مقاومت به آسیای غربی و میانه پیدا کند، را

نمی توان آنرا به طور کامل مورد بررسی قرارداد. آمار آنچه که می توان گفت و تجربه قراردادهای رژیم جمهوری اسلامی با کشورهای خارجی از غرب تا شرق، نشان می دهد که منافع این قراردادها برای طرف ایرانی نه به مردم ایران بلکه برای رژیم جمهوری اسلامی و در خدمت بقا و ماندگاری خود و بالا بردن توانمندی نظامی و سیاسی برای مقابله با رقبای منطقه ای از یک سو و اکثریت مردم ایران از سوی دیگر بوده است. در نتیجه ما با هر قراردادی که از طریق دیپلماسی سری و

اخیرا با سفر وزیر امورخارجه چین به ایران، سند جامع همکاری های ۲۵ ساله چین و ایران به امضای دو کشور رسید. برخورد به این سند و اهداف طرفین برای رسیدن به اهداف این سند همکاری و نیز نتایج سیاسی و اقتصادی آن در عرصه داخلی و خارجی، برای اپوزسیون های ایران و دولت های درگیر با مسائل ایران مهم تلقی شده است و به یکی از اخبار و مباحث درجه اول تبدیل شد. سئوالات مهمی در رابطه با این سند وجود دارد که بعلت علنی نشدن کامل آن هنوز

بیانیه مشترک ۱۵ تشکل کارگری

فقدان سیاست های کارآمد بهداشتی و عدم اعمال قرنطینه های لازم، همراه با تامین هزینه های زندگی مردم، از سوی دولت، بحران معیشتی فرودستان را دامن زده است. با وجود آن که کارگران و زحمت کشان به درستی خواست اجرای واکسیناسیون فوری، رایگان و عمومی را فریاد می زنند و بر آن اصرار می ورزند، فرادستان و قدرت مداران در تامین واکسن کوتاهی آگاهانه و عمدانه ای دارند و می کوشند با بحران آفرینی ها، منافع گروه های خاصی از بدنه حاکمیت را تامین کنند. اصرار بر ساخت واکسن داخلی و

روز جهانی کارگر، روز همبستگی بین المللی کارگران جهان! امسال هم در حالی به استقبال اول ماه مه، روز همبستگی بین المللی طبقه کارگر می رویم که بحران جهانی سلامت، زندگی کارگران را تحت الشعاع قرار داده است. واگیری جهانی کرونا (کوید-۱۹) همراه با بحران اقتصادی، کارگران و مزدبگیران و کسبه خرد را در تنگنا قرار داده است. در ایران بر اثر بی قابلیتی و ناکارآمدی حاکمیت و دولت، این وضعیت وخیم تر از گذشته و هر جای دیگری شده است.

حزب رنجبران با توجه به اهمیت این بیانیه در جهت همبستگی بیشتر طبقه کارگر و زحمتکشان آنرا در عین پشتیبانی مجددا، انتشار می دهد
بیانیه مشترک ۱۵ تشکل کارگری، معلمان، بازنشستگان و مدافعین حقوق زنان به مناسبت روز جهانی کارگر
۲۰۲۱/۰۴/۲۷
متن کامل بیانیه مشترک ۱۵ تشکل کارگری، معلمان، بازنشستگان و مدافعین حقوق زنان به مناسبت روز جهانی کارگر:
«گرامی باد اول ماه مه (یازده اردیبهشت)،

جامعه مریض

بویژه در سالمندان تأثیر می گذارد. با این حال کودکان در ایالات متحده بطور غیر عادی و نامناسبی بیمار هستند. رابرت اف کندی جونیور که مؤسس سازمان «دفاع از سلامت کودکان» می باشد، «بیماری مزمن همه گیر» که بر کودکان ایالات متحده تأثیر می گذارد را «بزرگترین بحرانی» می نامد که کشور با آن روبروست. کلاه برداری گسترده با واکسن تجربی، خطرناک،

طول عمر را کوتاه می کنند. مجمع اقدام آمریکائی (۲)، تعداد بیماریهای مزمن را یک بحران ملی می نامد که سالانه تقریباً ۴ تریلیون دلار هزینه بر می دارد، حدود ۲۰٪ تولید ناخالص داخلی. هزینه های سر به فلک زده مراقبت های بهداشتی باعث می شود که درمان برای میلیونها آمریکائی غیر قابل پرداخت باشد. این کمبودها که مربوط به سلامتی است

جامعه مریض: بحران بیماریهای مزمن در آمریکا بر اساس وب سایت (۱)، تقریباً نیمی از شهروندان آمریکائی با یک یا چند بیماری مزمن روبرو هستند. این بیماریهای مزمن عامل اصلی ۷۰٪ از مرگ و میر در ثروتمندترین کشور جهان یعنی ایالات متحده هستند. این بیماریها ناتوانی جسمی به بار می آورند، کیفیت زندگی را از بین می برند و بالاخره

با نشانیهای زیر با ما تماس بگیرید و نشریات حزب را بخواهید:

آدرس پستی حزب رنجبران ایران:
Ranjbar
P.O.Box 5910
Washington DC
20016
U.S.A



آدرس پست الکترونیکی حزب رنجبران ایران:
ranjbaran.org@gmail.com
آدرس عَرَفه حزب در اینترنت:
www.ranjbaran.org